

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَذْكُرَنَّ مَا بُدِئْتُ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ
وَالْحِكْمَةَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

(احزاب / ۳۴)

«وآنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود، یاد کنید که خداوند لطیف (دقیق) و آگاه است (و می‌داند که چه مقدار به این وظیفه عمل می‌کنید)»

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمة وَاَبِيهَا وَعَلَىٰ وَبَنِيهَا
بَعْدَ مَا اطَّاعَكَ

تقديم به:

صدیقه طاهره، فاطمه زهرا، دخت گرامی
پیامبر گرامی اسلام و خاندان مطهرش
(سلامُ الله علیهم اجمعین)

چاپ این کتاب، بدون پرداخت حق التألیف با همین شکل برای
تمامی ناشرین، نهادها و مؤسسات آموزشی آزاد است، مشروط به
این که قیمت پشت جلد، بیشتر از دو برابر قیمت تمام شده نباشد.

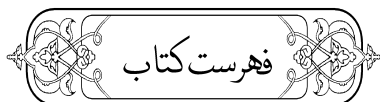
قم - شیخ علی حبیبی - شماره همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

آداب و احکام تلاوت قرآن کریم

به ضمیمه

ذکرهای تلاوت

«شیخ علی حبیبی»



پیش‌گفتار..... ۷

فصل اول: آداب و احکام پیش از تلاوت

۱. پاک بودن ۱۵
۲. مسواک زدن ۲۷
۳. انتخاب زمان مناسب برای تلاوت قرآن..... ۲۹
۴. انتخاب مکان مناسب برای تلاوت قرآن ۳۵
۵. رو به قبله بودن ۴۰
۶. اخلاص در تلاوت قرآن ۴۲
۷. درود فرستادن بر محمد و آل محمد..... ۴۷
۸. دعای پیش از تلاوت ۵۱
۹. استعاذه (پناه بردن به خداوند)..... ۵۳
۱۰. تَسْمِيَه (آغاز کردن با نام خداوند)..... ۵۸

فصل دوم: آداب و احکام هنگام تلاوت

۱. از رو تلاوت کردن قرآن..... ۶۵
۲. قرائت قرآن با لحن عربی ۶۷

۳. قرائت قرآن با ترتیل ۶۹
۴. تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین ۷۹
۵. تدبیر و به جا آوردن حق آیات ۸۶
۶. سکوت در هنگام شنیدن قرآن ۸۹
۷. سجده کردن هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده دار ۹۳
۸. مقدار تلاوت قرآن ۱۰۱
۹. مواردی که خواندن قرآن واجب است ۱۰۵
۱۰. مواردی که خواندن قرآن مستحب است ۱۰۸
۱۱. مواردی که خواندن قرآن حرام است ۱۱۳
۱۲. مواردی که خواندن قرآن کراهت دارد ۱۱۵

فصل سوم: آداب و احکام پس از تلاوت

۱. گفتن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» ۱۲۱
۲. دعای پس از تلاوت ۱۲۵
- ذکرهای تلاوت و تعقیبات برخی از سوره‌ها و آیات قرآن کریم ۱۲۹
- قرآن در آئینه احادیث ۱۵۱
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای احکام تلاوت قرآن کریم ۱۵۴
- فهرست منابع ۱۵۹

پیش‌گفتار

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۱.

«و از قرآن آنچه را که برای مؤمنین شفا و رحمت است فرو می‌فرستیم و (لیکن) ستمکاران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید».

«شفا» معمولاً در مقابل بیماری‌ها، عیب‌ها و نقص‌هاست، بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند، همان پاک‌سازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است.

پس از آن مرحله «رحمت» فرا می‌رسد که مرحله تَخَلُّق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضائل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند.^۲

اما دشمنان حق به جای این‌که از نور آیات الهی دل و جان خود را روشن سازند و تیرگی‌ها را بزدایند، بر جهل و شقاوتشان افزوده می‌شود و این به دلیل آن است که خمیرمایه وجودشان بر اثر کفر و ظلم و نفاق به

۱. اسراء / ۸۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

می‌برند. و سرانجام قرآن نسخه شفابخشی است برای آنها که پرده‌های ظلمانی شهوات، آنها را از رسیدن به قرب پروردگار مانع شده است.^۱ حضرت علی علیه السلام در سخن بسیار جامع خود در نهج البلاغه، این حقیقت را با شیواترین عبارات بیان فرموده است:

«فَسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ وَ الْعَيُّ وَ الضَّلَالُ»^۲

از این کتاب بزرگ آسمانی، برای بیماری‌های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بطلبید؛ چرا که در این کتاب درمان بزرگ‌ترین دردهاست: درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت.

و در جای دیگر از همان امام بزرگ می‌خوانیم:

«وَعَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ النُّورُ الْمُبِينُ وَ الشِّفَاءُ النَّافِعُ وَ الرَّيُّ النَّافِعُ وَ الْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ وَ النَّجَاةُ لِلْمُتَعَلِّقِ لَا يَعْوُجُ فَيَقَامُ وَ لَا يَزِيغُ فَيُسْتَعْتَبُ وَ لَا تَخْلُقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ وُلُوجُ السَّمْعِ مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَ مَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ»^۳

کتاب خدا را محکم بگیرید، زیرا رشته‌ای است بسیار مستحکم و نوری است آشکار، دارویی است شفابخش و پربرکت و آب حیاتی است که عطش تشنگان حق را فرو می‌نشاند، هر کس به آن تمسک جوید، او را حفظ می‌کند و آن کسی که به دامنش چنگ زند، نجاتش می‌بخشد، انحراف در آن راه ندارد تا نیاز به راست نمودن داشته باشد، و هرگز خطا

شکل دیگری درآمده، از این رو هر جا که نور حق را می‌بینند به ستیز با آن بر می‌خیزند و این مقابله و ستیز با حق، بر پلیدی آنها می‌افزاید و روح طغیان و سرکشی را در آنها تقویت می‌کند.

یک غذای نیروبخش را اگر به عالم مجاهد و دانشمند مبارزی بدهیم از آن، نیروی کافی برای تعلیم و تربیت و یا جهاد در راه حق می‌گیرد ولی همین غذای نیروبخش را اگر به ظالم بیدادگری بدهیم از نیروی آن برای ظلم بیشتر استفاده می‌کند، تفاوت در غذا نیست، تفاوت در مزاج‌ها و طرز تفکرهاست!

آیات قرآن، طبق مثل معروف، همچون قطره‌های حیات‌بخش باران است که در باغ‌ها، لاله می‌روید و در شوره‌زارها خس!

و درست به همین دلیل، برای استفاده از قرآن باید قبلاً آمادگی پذیرش را پیدا کرد و به اصطلاح علاوه بر فاعلیت فاعل، قابلیت محل نیز شرط است.^۱

آری قرآن نسخه حیات‌بخشی است برای آنها که می‌خواهند با جهل و کبر و غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخیزند.

قرآن نسخه شفابخشی است برای برطرف ساختن ضعف‌ها و زبونی‌ها و ترس‌های بی‌دلیل، اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها.

قرآن داروی شفابخشی است برای آنها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات، تسلیم بی‌قید و شرط در برابر شهوات‌ها رنج

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳. همان، خطبه ۱۵۶.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

نمی‌کند تا از خوانندگانش پوزش بطلبد، تکرارش موجب کهنگی و یا ناراحتی گوش نمی‌گردد (و هر قدر آن را بخوانند، شیرین‌تر و دل‌پذیرتر خواهد بود) کسی که با قرآن سخن بگوید، راست می‌گوید و کسی که به آن عمل کند، گوی سبقت را از همگان می‌برد.

این تعبیرهای رسا و گویا که نظیر آن در سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سایر گفته‌های حضرت علی عَلِيٌّ و ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام کم نیست، به خوبی ثابت می‌کند که قرآن، نسخه‌ای است برای سامان بخشیدن به همه نابسامانی‌ها، بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی. بهترین دلیل برای اثبات این واقعیت، مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آغاز اسلام است، دیدیم چگونه آن قوم خون‌خوار و جاهل و نادان که انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی سرتاپای وجودشان را فرا گرفته بود، با استفاده از این نسخه شفابخش نه تنها درمان یافتند بلکه آن‌چنان قوی و نیرومند شدند که ابرقدرت‌های جبار جهان را به زانو درآوردند.

و این درست همان حقیقتی است که مسلمانان امروز آن را از یاد برده‌اند و به این حال و روزگار که می‌دانیم و می‌دانید، گرفتار گشته‌اند. ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که این نسخه مانند نسخه‌های دیگر وقتی مؤثر است که به آن عمل شود و الا صد بار اگر بهترین نسخه‌های شفابخش را بخوانیم و روی سر بگذاریم ولی به آن عمل نکنیم نتیجه‌ای نخواهیم گرفت.^۱

برای استفاده و بهره‌مندی بهتر از آیات قرآن کریم، در آیات و روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، آداب و احکامی سفارش شده است که رعایت بعضی از آنها واجب و برخی دیگر مستحب می‌باشد. سعی ما در این مجموعه بر این است که این آداب و احکام را با استفاده از کتاب‌های تفسیری، روایی و فقهی به صورت فشرده در سه فصل جداگانه در اختیار قاریان و حافظان و علاقمندان قرآن کریم قرار دهیم:

فصل اول: آداب و احکام پیش از تلاوت؛

فصل دوم: آداب و احکام هنگام تلاوت؛

فصل سوم: آداب و احکام پس از تلاوت.

با توجه به این‌که در این زمینه، کتاب‌های مُدَوَّن و جامع، کمتر به رشته تحریر درآمده و بیشتر این آداب و احکام در کتاب‌های تفسیری، روایی و فقهی به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است، از این‌رو از کلیه خواهران و برادران ارجمند، تقاضا نمودیم برای تکمیل این مباحث، پیشنهادات اصلاحی خود را به آدرس ناشر برای ما ارسال دارند.

من الله التوفيق

۱۸ ذیحجه، عید غدیر خم، سال ۱۴۱۸ هجری قمری

تجدید نظر و اضافات

۱۳ رجب ۱۴۳۴، ولادت امام علی عَلِيٌّ

قم - شیخ علی حبیبی

فصل اول:

آداب و احکام پیش از تلاوت

۱. پاک بودن؛
۲. مسواک زدن؛
۳. انتخاب زمان مناسب برای تلاوت قرآن؛
۴. انتخاب مکان مناسب برای تلاوت قرآن؛
۵. رو به قبله بودن؛
۶. اخلاص در تلاوت قرآن؛
۷. درود فرستادن بر محمد و آل محمد؛
۸. دعای پیش از تلاوت؛
۹. استعاذه (پناه بردن به خداوند)؛
۱۰. تَسْمِيَه (آغاز کردن با نام خداوند).

۱. پاک بودن

﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۱

«به یقین این قرآنی است کریم، که در نوشته‌ای مستور است، که آن (لوح نوشته) را نمی‌توانند لمس کنند جز پاکان (و پاکیزه شدگان)».

بسیاری از مفسران به پیروی از روایاتی که از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده، این آیه را به عدم جواز مسّ نوشته قرآن، بدون غسل و وضو تفسیر نموده‌اند؛ در حالی که گروه دیگری آن را اشاره به فرشتگان مطهری می‌دانند که از قرآن آگاهی دارند، یا واسطه وحی بر قلب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده‌اند، نقطه مقابل مشرکان که می‌گفتند: این کلمات را شیاطین بر او نازل کرده‌اند!

بعضی نیز آن را اشاره به این معنی می‌دانند که حقایق و مفاهیم عالی قرآن را جز پاکان درک نمی‌کنند، همان‌گونه که در آیه ۲ سوره بقره می‌خوانیم: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

«این کتاب، شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزکاران است».

احادیث طهارت مَسِّ

در روایات اسلامی، در رابطه با طهارت شرعی (وضو یا غسل) تأکید فراوانی شده است، چرا که طهارت شرعی، سمبل پاکی و طهارت روحی و بدنی می باشد، از این رو اضافه بر حال نماز «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَر»^۱ در مورد بسیاری از جمله «قرائت قرآن» تأکید شده که باید با طهارت بود، چرا که به واسطه قرآن و نماز، به پیشگاه مقدس و ملکوتی خداوند حضور می یابیم و این حضور، بدون طهارت، امکان ندارد، طهارتی که سراسر وجودمان، ظاهر و باطن را فرا می گیرد.

در روایتی امام رضا ع «علت وجوب وضوء» را این گونه بیان می فرماید: «لأنه يكون العبد طاهراً إذا قام بين يدي الجبار عند مناجاته إياه، مطيعاً له فيما أمره، نقيّاً من الأدناس والنجاسه، مع ما فيه من ذهاب الكسل و طرد النعاس و تزكية الفؤاد للقيام بين يدي الجبار»^۲

برای این که بنده وقتی در مقابل پروردگار جبار به مناجات می ایستد، پاک و پاکیزه باشد؛ و امر و فرمان او را که به منظور بر حذر ماندن از پلیدی ها و ناپاکی ها صادر شده، اطاعت کرده، و اضافه بر آن، به وسیله وضو، کسالت (سستی و بی حالی) و چرت از او برطرف گشته، و قلب نیز از ناپاکی های باطنی و معنوی، تزکیه شده تا آمادگی لازم برای ایستاده در مقابل پروردگار، پیدا کند.

و به تعبیر دیگر، حداقل پاکی که روح «حقیقت جویی» است برای درک حداقل مفاهیم آن، لازم است و هر قدر پاکی و قداست بیشتر شود، درک انسان از مفاهیم قرآن و محتوای آن، افزون خواهد شد. این مطلب از طریق عقل نیز قابل استدلال است، زیرا اگر چه قرآن مجید برای هدایت عموم است اما می دانیم افراد زیادی بودند که قرآن را از لب های مبارک پیامبر ص می شنیدند و این آب زلال حقیقت را در سرچشمه وحی می دیدند اما چون آلوده به تعصب و عناد و لجاجت بودند، کمترین بهره ای از آن نگرفتند، اما کسانی که اندکی خود را پاک کردند و با روح حقیقت جویی و تحقیق به سراغ آن آمدند، هدایت یافتند؛ بنابراین هر قدر پاکی و تقوای انسان بیشتر شود، به مفاهیم عمیق تر و بیشتری از قرآن مجید دست می یابد، به این ترتیب، آیه در هر دو بُعد جسمی و روحانی صادق است. بدیهی است به استناد آیه:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^۱

«خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک و پاکیزه سازد».

پیامبر اکرم ص و اهل بیت آن حضرت (ائممه معصومین ع)، روشن ترین مصداق «مُطَهَّرِينَ» می باشند و حقایق قرآن را از همه بهتر درک می کنند.^۲

۱. احزاب / ۳۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۳۳، ص ۲۶۸-۲۷۲؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۳۷.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۵۶، (باب ۱ از ابواب الوضوء، حدیث ۱ و ۶).

۲. همان، حدیث ۹؛ علل الشرایع، باب ۱۸۲، حدیث ۹.

اما احادیث وارده در رابطه با طهارت مَسَّ نوشته قرآن:

۱- فی مَجْمَعِ الْبَيَانِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» قَالَ: «مِنَ الْأَحَادِيثِ وَالْجَنَابَاتِ، وَقَالَ: لَا يَجُوزُ لِلْجُنُبِ وَالْحَائِضِ وَالْمُحَدِّثِ، مَسُّ الْمُصْحَفِ»^۱.

مرحوم طبرسی رحمته الله صاحب تفسیر مجمع البیان در رابطه با آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می فرماید: مراد طاهر (پاک) بودن از حدت‌ها (چیزی که وضو را باطل می کند) و جنابت‌ها (جنابت، حیض، نفاس) می باش. و همچنین از آن حضرت نقل می فرماید: جایز نیست بر شخص جُنُب و حایض و کسی که حدثی از او سر زده، مَسَّ نمودن قرآن کریم.

۲- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّنْ قَرَأَ فِي الْمُصْحَفِ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ؟ قَالَ: «لَا بَأْسَ وَلَا يَمَسُّ الْكِتَابَ»^۲.

ابی بصیر می گوید: از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: از «حُکْم» کسی که قرآن را در مصحف «از رُو» می خواند و حال آن که وضو ندارد؟ حضرت فرمود: اشکالی ندارد ولی نباید قرآن را مَسَّ کند.

۳- عَنْ حَرِيْزٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِنْدَهُ، فَقَالَ: اقْرَأْ الْمُصْحَفَ، فَقَالَ: إِنِّي لَسْتُ عَلَى وُضوءٍ، فَقَالَ: لَا تَمَسُّ الْكِتَابَةَ وَ مَسُّ الْوَرَقِ وَ اقْرَأْ^۳.

حریز نقل می کند که اسماعیل فرزند امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نزد پدرش بود،

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۰ - (باب ۱۲ از ابواب الوضوء، حدیث ۵).

۲. همان، ص ۲۶۹، حدیث ۱.

۳. همان، ص ۲۶۹، حدیث ۲.

حضرت به او فرمود: قرآن بخوان، در جواب گفت: در حال وضو نیستم، حضرت فرمود: نوشته‌ها را مَسَّ نکن، ورق را مَسَّ کن و قرآن را بخوان. ۴- صاحب وسائل بعد از نقل حدیث ۲ و ۳ می فرماید: این دو حدیث شامل جُنُب می شود، چرا که شخص جنب در حال وضو نمی باشد.

۵- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْجُنُبُ وَالْحَائِضُ يَفْتَحَانِ الْمُصْحَفَ مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَيَقْرَأْنَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ»^۱.

محمد بن مسلم می گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده: جُنُب و حایض، قرآن را از پشت پیراهن می گشایند و از قرآن هر چه بخواهند می خوانند مگر آیات (سوره‌های) سجده‌دار.

احکام طهارت مَسَّ

۱- وضو گرفتن برای قرائت قرآن، شرط کمال است و برای مَسَّ نوشته قرآن، شرط جواز^۲.

۲- مَسَّ نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند، مَسَّ آن، اشکال ندارد^۳.

۳- ... برای قرائت قرآن، همراه داشتن قرآن، خواندن و نوشتن آن و نیز

۱. وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۴۹۴ - (باب ۱۹ از ابواب الجنابة، حدیث ۷).

۲. عروة الوثقی، (فی غایات الوضوء).

۳. توضیح المسائل، امام خمینی، مسأله ۳۱۷.

به خط «بریل» - به وسیله لمس کردن انگشتان دست - استفاده می‌کنند، با عنایت به این‌که این خط قراردادی، مطابق حروف الفبای خاص از شش نقطه تشکیل گردیده، سؤال این است که آیا نابینایان، هنگام آموزش قرائت قرآن و دست گذاشتن به اسماء متبرکه به خط نابینایان، نیاز به وضو دارند؟

ج: مس کتابت خط قرآن بدون وضو جایز نیست و فرقی نیست بین انواع خطوط و همچنین است حکم در اسمای متبرکه.^۱

۸- فرقی نیست در (حرمت مس) قرآن، بین آیه و کلمه، بلکه حرف، اگر چه نوشته شود ولی خوانده نشود، مانند «الف» در (آخر) «قَالُوا» و «أَمْثُوا» و همچنین است حروفی که خوانده می‌شوند ولی نوشته نشده، اگر نوشته شوند، مثل «واو» دوم در «ذَاوُد» هرگاه با دو «واو» نوشته شود «ذَاوُود» و «الف» در «رَحْمَن» و «لُقْمَن» اگر «رَحْمَان» و «لُقْمَان» نوشته شوند.

۹- (در حرام بودن مس خط قرآن) فرقی نیست بین آنچه که در خود قرآن است و یا در کتابی دیگر بلکه اگر کلمه‌ای از قرآن در کاغذی باشد یا نصف کلمه‌ای از آن از ورق قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، مس آن نیز حرام است.

۱۰- در کلماتی که بین قرآن و غیر قرآن مشترک است، ملاک و معیار قصد نویسنده است.

برای مس حاشیه قرآن... وضو گرفتن، مستحب است.^۱

۴- در حرام بودن مس خط قرآن بر فاقد طهارت، فرقی نیست که مس با دست باشد یا با سایر اجزای بدن، گرچه اجزای باطنی باشد، مانند: زبان و دندان و احوط ترک مس با پوست گرچه بعید نیست که حرام نباشد.

۵- فرقی نیست بین مس ابتدایی (قبل از مس، فاقد طهارت بوده) و استدامی (با وضو قرآن را مس نموده سپس فاقد طهارت شود) پس اگر شخصی (که با طهارت است) دستش روی خط قرآن باشد، سپس فاقد طهارت شود، بر او واجب است که فوراً دستش را بردارد و همچنین اگر از روی غفلت و بی توجهی خط قرآن را مس نماید و سپس متوجه شود که فاقد طهارت است.

۶- مسی که محو کننده خط قرآن باشد نیز برای فاقد طهارت حرام است، پس برای فاقد طهارت جایز نیست که با زبان یا با دست تر، خط قرآن را محو کند.

۷- (در حرام بودن مس خط قرآن) فرقی نیست بین اقسام خط‌ها حتی خطی که متروک شده باشد مانند خط کوفی و همچنین فرقی نیست بین نحوه نوشتن با قلم یا چاپی، خط بریده با کاغذ باشد یا کنده کاری شده.

استفتایی از آیه الله العظمی اراکی رحمته الله

س: نابینایان جهت خواندن و نوشتن از خط برجسته نابینایی معروف

۱. استفتانات، ص ۱۰، ۴.

۱. عروة الوثقی (فی الوضوءات المستحبّة «التاسع»).

۱۶- واجب نیست منع نمودن اطفال و دیوانگان از مَس نمودن (خط قرآن) مگر وقتی که مَس کردن آنها توهین به قرآن شمرده شود، بلکه احوط آن است که سبب مَس ایشان نشویم و اگر طفل مُمیز، وضو گرفت چون بنا بر اقوی، وضو و سایر عباداتش صحیح است، مَس او نیز اشکالی ندارد.

۱۷- حرام نیست بر فاقد طهارت مَس نمودن غیر از خط قرآن، مانند ورق قرآن حتی بین سطرها و جلد و غلاف، بلکه کراهت دارد همانگونه که به گردن افکندن و حمل نمودن آن نیز مکروه است.

۱۸- ترجمه قرآن به هر لغتی که باشد، قرآن به حساب نمی آید، از این رو مَس آن بدون وضو اشکال ندارد ولی فرقی نیست در حرمت (مَس بدون طهارت) اسم خداوند در هر زبانی که باشد.

۱۹- جایز نیست قرار دادن چیز نجس روی قرآن، گرچه خشک باشد برای این که توهین به قرآن است اما چیزی که نجس شده باشد در صورتی که رطوبتی نداشته باشد ظاهراً اشکال نداشته باشد (در صورتی که توهین به قرآن شمره نشود) بنابراین جایز است لمس قرآن با دست نجس برای شخصی که وضو داشته باشد، گرچه اولی ترک آن است.

۲۰- اگر آیه ای از قرآن بر تکه نانی نوشته شده باشد، خوردن آن برای فاقد طهارت جایز نیست اما برای شخص با طهارت مانعی ندارد به خصوص اگر به نیت شفا یا تبرک باشد.^۱

۱. از مسأله ۴ الی ۲۰؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۲ - (فی غایات الوضوء، مسأله ۳ و ۱۹).

۱۱- در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده فرقی نیست بین کاغذ و تخته و زمین و دیوار و پارچه و بلکه بدن انسان؛ پس هرگاه (آیه ای را) بر دست خود نوشت، جایز نیست هنگام وضو گرفتن آن را مَس نماید بلکه واجب است اول آن را محو کند سپس وضو بگیرد.

۱۲- هرگاه قرآن را بدون قلم، بر کاغذ بنویسند، ظاهراً مَس آن، اشکالی نداشته باشد، زیرا به آن خط نمی گویند؛ بلی اگر با چیزی بنویسند که اثرش بعداً ظاهر شود، ظاهراً مَس آن، حرام باشد مانند آب پیاز که اثر آن پس از حرارت دادن آشکار می شود.

۱۳- حرام نیست (بر فاقد طهارت) مَس نمودن (خط قرآن) از پشت شیشه اگر چه خط آن پیدا باشد و همچنین است خطی که در آینه منعکس شده باشد؛ بلی اگر اثر قلم چنان در کاغذ نفوذ کند که خط از پشت آن ظاهر شود، مَس آن جایز نیست به خصوص هنگامی که معکوس نوشته شده باشد و از طرف دیگر به صورت خط معمول ظاهر شود.

۱۴- در مَس فضای خالی که حرف، آن را احاطه کرده مانند «ح» یا «ع» اشکال است و اقوی جواز آن است.

۱۵- در این که آیا فاقد طهارت می تواند آیه ای از قرآن را با انگشت خویش بر زمین یا غیر زمین بنویسد، اشکال است و بعید نیست عدم حرمت، زیرا خط بعد از مَس، ایجاد می شود؛ اما نوشتن خط بر بدن شخصی که فاقد طهارت است حرام است گرچه کاتب با وضو باشد به خصوص در صورتی که اثر آن باقی بماند.

۲۱- پنج چیز بر جُنُب حرام است؛ اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و همچنین بنا بر احتیاط واجب اسم پیامبران و امامان علیهم السلام به طوری که در وضو گفته شد.

۲۲- نه چیز بر جنب مکروه است: ... چهارم: رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط‌های قرآن.^۱

۲۳- کسی که جُنُب است اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، حرام است دست به آن نوشته بگذارد و اگر بخواهد غسل کند باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.^۲

۲۴- مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز، کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو بگیرد و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

۲۵- اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز، جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.

۲۶- چند چیز بر حیض حرام است...، دوم: تمام چیزهایی که بر جُنُب حرام است و در احکام جنابت گفته شد... (رساندن جایی از بدن

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۳۵۵ و ۳۵۶.

۲. همان، مسأله ۳۹۰.

به خط قرآن).^۱

۲۷- خواندن سوره‌های عزایم یا مقداری از آنها بر حیض حرام است.^۲

۲۸- خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خط‌های قرآن... برای حیض مکروه است.

۲۹- توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حیض حرام است، بر نفَساء حرام است. و آنچه بر حیض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفَساء هم واجب و مستحب و مکروه است.^۳

۳۰- کسی که وظیفه اش تیمم است، اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد می‌تواند به جا آورد (مانند: مسّ نوشته قرآن مجید و ورود به مساجد و غیر آن).^۴

۳۱- با تیممی که به جهت تنگی وقت انجام داده، چیز دیگری به جز

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۴۲۷-۴۲۹-۴۵۰؛ عروة الوثقی، فی احکام الحائض، الأمر الثانی.

۲. عروة الوثقی، فی احکام الحائض، (سوره‌های عزایم، عبارت است از: سوره‌هایی که در آن آیات سجده موجود است و بر قاری و شنونده آن آیات لازم است که برای خداوند سجده نموده و به تسبیح و حمد پروردگارشان بپردازند).

۳. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۴۷۷-۵۱۳.

۴. همان، مسأله ۷۲۶.

نمازی که وقتش تنگ شده، مباح نمی‌باشد، پس جایز نیست برای او مسّ نوشته قرآن حتی در حال نماز...^۱

۳۲- کسی که بعد از مسّ (میت)، غسل کرده است، می‌تواند کارهایی مانند: توقف در مساجد و خواندن سُور عزایم که شرط‌شان طهارت از حدث اصغر [یعنی وضو داشتن] نیست را انجام دهد، ولی برای نماز و مسّ خط قرآن [یعنی کارهایی که شرط‌شان طهارت از حدث اصغر است] بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و وضو هم بگیرد.^۲

۲. مسواک زدن

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نَطَّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ؛ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا طَرِيقُ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: قَوَاهِكُمْ؛ قِيلَ بِمَاذَا؟ قَالَ: بِالسَّوَاكِ»^۱.

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: مسیر قرآن را پاکیزه نمایید؛ پرسیده شد: مسیر قرآن چیست؟ حضرت فرمودند: دهان‌های شماست؛ پرسیده شد: با چه چیزی؟ حضرت فرمود: با مسواک زدن.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ قَوَاهِكُمْ طُرُقُ الْقُرْآنِ فَطَهَّرُوهَا بِالسَّوَاكِ»^۲.

از امیرمؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرموده‌اند: دهان‌های شما، راه‌های قرآن است، پس آنها را با مسواک زدن پاکیزه نمایید. پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برای مسواک زدن، تأکید و سفارش بسیاری نموده‌اند و فوائد فراوانی برای آن برشمرده‌اند که برخی

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۵۷ (ح ۱)، باب ۷ از ابواب السواک).

۲. همان، ص ۳۵۸ (ح ۳)، باب ۷ از ابواب السواک).

۱. عروة الوثقی (فی احکام التیمم، مسأله ۳۱).

۲. عروة الوثقی (فی غسل مسّ المیت، مسأله ۱۶ و ۱۷).

از آنها ظاهری و مادی است، مانند: «پاکی دهان، استحکام لثه، از بین رفتن زردی و سفید شدن دندان‌ها، روشنی چشم، فزونی عقل و حافظه، اشتها پیدا کردن به غذا و از بین رفتن غم و اندوه».

و برخی دیگر باطنی و معنوی است، مانند: «پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، رضایت خداوند رحمان، شادی فرشته‌ها و چند برابر شدن پاداش اعمال خوب و عبادت‌هایی که انجام داده می‌شود».^۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «رَكَعَتَانِ بِالسُّوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سُوَاكِ».^۲

از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرموده‌اند: ثواب دو رکعت نماز با مسواک از هفتاد رکعت بدون مسواک بالاتر است.

بدیهی است که پاداش قرائت قرآن با مسواک نیز همانند نماز با مسواک، هفتاد برابر قرائتی است که بدون مسواک باشد؛ چرا که بخشی از نماز، قرائت حمد و سوره می‌باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْلَا أَنْ أُشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لَفَرَنْتُهُمُ بِالسُّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ».^۳

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: اگر بر اتمم، سخت نبود، هر آینه آنها را امر می‌کردم تا با هر نمازی، مسواک کنند.

۳. انتخاب زمان مناسب برای تلاوت قرآن

قرائت قرآن در هر زمانی که انسان آمادگی داشته باشد، مناسب است پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سفارش خود به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^۱، بر تو باد به تلاوت قرآن در همه حال. از روایات اسلامی به خوبی استفاده می‌شود که فضیلت تلاوت قرآن کریم در زیاد خواندن آن نیست، بلکه در خوب خواندن و تدبیر و اندیشه در آن می‌باشد.

در مجمع البیان در ذیل آیه «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ روایتی را از امام علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرانش نقل می‌فرماید: «مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَصَفَاءُ السَّرِّ» آن مقدار بخوانید که در آن، خشوع قلب و صفای باطن (و نشاط روحانی و معنوی) باشد.^۳ هر چند، انسان در هر وقتی که برای او امکان‌پذیر شد و هر مقداری

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۵۲ (ح ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۵، ...، باب ۱ از ابواب السواک).

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲ (باب السواک من کتاب الطهارة، حدیث ۱).

۳. همان.

۱. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۳۹ (ح ۱)، باب ۱۱ ابواب از قراءة القرآن).

۲. مزمل / ۲۰.

۳. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۶.

که برای او میسور بود، قرآن را بخواند، شایسته و خوب است، ولی در قرآن کریم و روایات منقول از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام بر تلاوت قرآن در زمان‌های ذیل، تأکید و سفارش بیشتری شده است:

۱. سحرگاهان (قبل از طلوع فجر)

تلاوت قرآن در دل شب، دارای آثار و برکات فراوانی است و آن بدین جهت است که انسان در دل شب، فارغ البال است و مشغولیت‌های ذهنی کمتری دارد.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ ﴿۲﴾ قُمْ أَيْلًا إِلَّا قَلِيلًا ﴿۳﴾ نَصْفَهُ أَوْ أَنْقِضْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿۴﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿۵﴾﴾^۱

«به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، ای جامه به خود پیچیده، شب را جز کمی، به پا خیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن؛ یا به نصف آن بیفزا و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.»

آیات فوق، اهمیت شب زنده‌داری و نماز شب و تلاوت قرآن را در آن هنگام که غافلان در خوابند، گوشزد می‌نماید. عبادت در شب، مخصوصاً در «سحرگاهان و نزدیک طلوع فجر»، اثر فوق‌العاده‌ای در صفای روح و تهذیب نفوس و تربیت معنوی انسان و پاکی قلب و بیداری دل و تقویت ایمان و اراده و تحکیم پایه‌های تقوا در دل و جان انسان دارد.

۱. مزمل / ۱-۴.

حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام، اوصاف متقین را این‌گونه بیان می‌فرماید:

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَفْنَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزَنُونَ بِهِ لِنَفْسِهِمْ وَ يَسْتَتِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ كَائِهِمْ»^۱

(پرهیزکاران) در شب همواره برپا ایستاده‌اند، قرآن را شمرده و با تدبیر تلاوت می‌کنند، با قرآن، جان خویش را محزون می‌سازند و داروی درد خود را از آن می‌گیرند.

۲. صبحگاهان و شامگاهان

﴿وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ﴾^۲

در این آیه، خداوند به پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد (این دستور همانند سایر تعبیرهای قرآن یک حکم عمومی است و اختصاص به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندارد) «پروردگارت را در دل خود با حالت تضرع و خوف یاد کن، آرام و آهسته و این کار را همواره صبحگاهان (هنگام طلوع خورشید) و شامگاهان (هنگام غروب خورشید) تکرار کن و هرگز از غافلان و بی‌خبران از یاد خدا مباش.»

یکی از راه‌های «ذکر پروردگار»، «قرائت قرآن» است، چراکه یکی از

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲. اعراف / ۲۰۵.

اوصاف قرآن، «ذکر» می باشد ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ﴾^۱ تعبیر به «ذکر» اشاره به این واقعیت دارد که قرآن بیدار کننده و آگاه کننده است. اطلاق «ذکر» بر «قرآن» به خاطر این است که قبل از هر چیز، انسان را متذکر و بیدار می سازد و حقایقی را که انسان حتماً با فطرت خدادادی دریافته با وضوح و تفصیل شرح می دهد.^۲

با توجه به آیات ذکر شده می توانیم نتیجه گیری کنیم که یکی از اوقات مناسب برای قرائت قرآن (که ذکر است) صبحگاهان (هنگام طلوع آفتاب) و شامگاهان (هنگام غروب آفتاب) می باشد.

۳. قبل از خواب

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَا يَمْنَعُ التَّاجِرُ مِنْكُمْ الْمَشْغُولُ فِي سَوْفِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتَكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَيَمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ».^۳

از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرموده است: «چه چیز مانع می شود تاجری که در بازار سرگرم داد و ستد است وقتی که به خانه باز می گردد، نخوابد تا این که سوره ای از قرآن را بخواند، در عوض به جای هر آیه ای که تلاوت می کند، ده حسنه برای او نوشته شود و ده سیئه از او محو گردد».

۴. در حال نماز

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا فِي صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِئَةَ حَسَنَةٍ وَمَنْ قَرَأَهُ فِي صَلَاتِهِ جَالِسًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ حَمْسِينَ حَسَنَةً وَمَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ».^۱

از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل گردیده که فرموده است:

«کسی که قرآن را ایستاده در نماز بخواند، خداوند برای او به هر حرفی، صد حسنه می نویسد و کسی که نشسته در نماز بخواند، خداوند برای او به هر حرفی، پنجاه حسنه می نویسد، و کسی که قرآن را در غیر نماز بخواند، خداوند برای او به هر حرفی، ده حسنه می نویسد».

یادسپاری: خواندن قرآن در نماز، از روی نوشته قرآن، کراهت دارد.

۵. در ماه مبارک رمضان

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لِكُلِّ شَيْءٍ رِبِيعٌ، وَرِبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ».^۲

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است.

عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَظَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أُقْبِلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ... فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُؤَفِّقَكُمْ لِصِيَامِهِ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِهِ... وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أُجْرٍ

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۱ (کتاب فضل القرآن، باب ثواب قراءة القرآن، ج ۱).

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۱۸ (باب از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۲).

۱. انبیاء / ۵۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۹۷.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۱ (کتاب فضل القرآن، باب ثواب قراءة القرآن، ح ۲).

مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ...»^۱

امام رضا علیه السلام از پدرانش از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از روزها، خطبه‌ای برای مردم خواند و فرمود: ای مردم همانا رو آورده است بر شما، ماه خداوند (ماه مبارک رمضان) که با برکت و رحمت و مغفرت همراه است... پس از خداوندی که پروردگار شماست بخواهید، با نیت‌های راست و دل‌های پاک که شما را موفق بدارد برای روزه گرفتن در این ماه و تلاوت کتابش قرآن کریم... (پس بدانید) هر کس در این ماه آیه‌ای از قرآن را بخواند، برای او همانند پاداش کسی است که یک ختم قرآن را در غیر ماه مبارک رمضان خوانده باشد.

۴. انتخاب مکان مناسب برای تلاوت قرآن

همان‌گونه که قرائت قرآن در هر زمانی که انسان آمادگی آن را داشت مناسب است، در هر مکانی که بی‌احترامی به قرآن قلمداد نشود نیز مناسب می‌باشد، ولی در روایات اسلامی دو مکان است که سفارش بسیاری درباره آنها شده است، یکی «خانه» و دیگر «مسجد».

۱- قرائت قرآن در خانه

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْعَلُوا لِبُيُوتِكُمْ نَصِيبًا مِنَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ، تَبَسَّرَ عَلَى أَهْلِهِ، وَكَثُرَ خَيْرُهُ، وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ، وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ، ضَيَّقَ عَلَى أَهْلِهِ، وَقَلَّ خَيْرُهُ، وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي نُقْصَانٍ»^۱

امام رضا علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: برای خانه‌هایتان سهمی از قرآن قرار دهید. چرا که خانه وقتی در آن قرآن خوانده شود، باعث آسانی و راحتی امورات آن خانه خواهد شد و خیر و برکتش فراوان و ساکنین آن رو به زیادی خواهند

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۱-۸۵۰ (باب ۱۶ از ابواب قراءة القرآن، ح ۵).

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۷-۲۲۸ (باب ۱۸ از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۲۰).

رفت و اگر قرآن در آن قرائت نشود بر اهلش تنگ گرفته خواهد شد و خیر و برکتش اندک و ساکنین آن رو به کمی خواهند گذاشت.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «نُورُوا بِيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَخَنُوا مَا فُجُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى صَلُّوا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَطَّلُوا بِيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا»^۱.

از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که آن حضرت فرموده است: خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید، و آن را همچون گورستان قرار ندهید آن‌گونه که یهود و نصاری چنین کردند. در کنیسه‌ها و معابدشان نماز خواندند و خانه‌هایشان را معطل گذاشتند چرا که خانه هرگاه در آن تلاوت قرآن افزون گردد، خیر و برکتش فراوان می‌گردد و اهل آن خانه به وسعت می‌رسند (و مورد عنایات گسترده الهی قرار خواهند گرفت) و آن خانه برای اهل آسمان روشنی می‌بخشد آن‌گونه که ستارگان آسمان برای اهل دنیا روشنی می‌بخشند.

۲- قرائت قرآن در مساجد

یکی از مکان‌هایی که سفارش شده که در آنجا، قرآن خوانده و آموزش داده شود، مساجد است.

در صدر اسلام تا به امروز، مساجد محلی برای اقامه نماز، آموزش و

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۰ (باب ۱۶ از ابواب قراءة القرآن، ج ۴) و ج ۳ (باب ۶۹ از احکام المساجد).

قرائت قرآن، و محلی برای تحصیل معارف اسلامی بوده است و این سنت حسنه به خاطر تأکید و سفارش فراوان پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است و برای نماز و قرائت قرآن در مساجد، اجر و پاداش مضاعفی بیان فرموده‌اند، تا مساجد پایگاهی برای تعلیم و تعلم معارف دین باشد.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ غَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ...»^۱.

از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که آن حضرت فرموده است:

هیچ قومی جلوس نکردند در مجلسی از مساجد خداوند، در حالی که کتاب خداوند را تلاوت می‌کنند و آن را در میان خود به بحث و گفتگو می‌گذارند، مگر این‌که آرامش الهی به تدریج بر آنان نازل می‌گردد و رحمت الهی، آنان را در بر می‌گیرد و خداوند آنان را در زمره مقربین درگاهش یاد می‌نماید.

عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ...»^۲.

از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که آن حضرت فرموده است:

کسی که قرآن سخنش و مسجد خانه‌اش باشد، خداوند برایش خانه‌ای در بهشت، بنا می‌کند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يُنْشِدُ الشَّعْرَ فِي الْمَسَاجِدِ،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۲۷ (باب ۳ از ابواب احکام المساجد، ج ۲۰).

۲. همان، ص ۲۲۶، ج ۷.

فَقُولُوا: فَضَّ اللَّهُ فَآكَ، إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^۱.

امام زین العابدین علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرموده است: (هرگاه) شنیدید کسی در مسجد، شعر می گوید (به او) بگویید: خداوند دهانت را بشکند؛ همانا مساجد برای قرآن، پایه گذاری شده است.

با توجه به جایگاه و موقعیت بعضی از مساجد، به عبادت در بعضی از مساجد، سفارش بیشتری شده است.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لِأَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ: «الْمَسَاجِدُ الْأَرْبَعَةُ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَمَسْجِدُ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله وَمَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَمَسْجِدُ الْكُوفَةِ يَا أَبَا حَمْزَةَ، الْقَرِيبَةُ فِيهَا تَعْدِلُ حَجَّةً وَ النَّافِلَةُ تَعْدِلُ عُمْرَةً»^۲.

امام باقر علیه السلام به ابی حمزه ثمالی فرمودند: مساجد چهارگانه، «مسجد الحرام، مسجد پیامبر، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه»، (ثواب) نماز واجب در آن، معادل (ثواب) حج (واجب) است و (ثواب) نماز نافله، معادل (ثواب) عمره (مستحبی) است.

و با توجه به احادیث فراوانی که سفارش شده، نماز را در مساجد به

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۳ (باب ۱۴ از ابواب احکام المساجد، ج ۱).

با توجه به اینکه بیشتر اشعار عرب در صدر اسلام، در رابطه با دنیا بوده است، از این رو پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شعرگویی در مساجد را نهی فرمودند تا مسجد، محلی برای عبادت و قرآن باشد، و این نهی دلالت بر کراهت دارد، والا اگر اشعار در رابطه با دعوت به خداوند باشد اشکالی ندارد، همان گونه که از روایات دوم و چهارم همین باب، استفاده می شود.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۸ (فی فضل المساجد و حرمتها، ح ۵).

جا آورید و برای آن، اجر و پاداش فراوانی قائل شده اند، بسیار شایسته و بجاست که مسلمانان، جلسات قرآن را در مساجد (که به فرموده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای قرآن بنا نهاده شده اند) برگزار نمایند تا اضافه بر آبادانی مساجد و استفاده از قرآن های موجود در محل، از ثواب و پاداش مضاعفی نیز برخوردار شوند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدُ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ، وَ عَالَمٌ بَيْنَ جِهَالٍ، وَ مُضْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يَقْرَأُ فِيهِ»^۱.

امام صادق علیه السلام فرموده است: سه چیز است که نزد خداوند شکایت می کنند؛ مسجد ویرانی که اهالی آن (محل) در آن نماز نمی گذارند، دانشمندی که میان جاهلان است (و از علم او بهره نمی برند) و قرآن رها شده (و بلا استفاده) ای که غبار بر آن نشسته باشد و خوانده نشود.

احکام قرائت در مساجد

مساجد و زیارتگاهها از مشترکات بوده و عموم مسلمین در آنها شریک می باشند و در استفاده از آنها همه مساوی هستند، پس اگر کسی برای نماز یا عبادت یا زیارت یا قرائت قرآن یا دعا حتی تدریس و وعظ و... به جایی از مسجد یا زیارتگاه سبقت گیرد، کسی حق مزاحمت او را ندارد.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۸۴ (باب ۵ از ابواب احکام المساجد، ج ۱).

۲. تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، کتاب احیاء الموات و المشرکات، م ۱۵ و ۱۹.

آن، زخم زبان‌هایی بود که یهودیان به مسلمین می‌زدند و می‌گفتند: شما خودتان قبله ندارید و به سوی قبله ما نماز می‌خوانید.

رسول خدا ﷺ از این وضع، آشفته بود و انتظار گشایشی را از سوی خدا می‌کشید، که آیات قرآن نازل شد و دستور آمد که هر کجا هستید، رو به «مسجد الحرام» بایستید و نماز بخوانید. آیات تغییر قبله، در طول تاریخ به مسلمانان این درس را می‌دهد که مستقل و آزاد باشند و زیر بار منت دیگران، حتی در مسائل عبادی هم نروند و شرافتمندانه زندگی کنند.

مسلمانان، باید در عبادت، رو به کعبه کنند، حتی در کارهایی همچون خواب و خوراک، خوب است به سمت قبله باشند. ذبح حیوانات باید رو به قبله باشد، وگرنه گوشت آنها حرام می‌شود. این جهت‌گیری در همه امور به سوی کعبه توحید، درس ایمان و یاد خدا به مسلمانان می‌دهد تا همواره توجه به خانه محبوب و معبود داشته باشند و از غفلت به درآیند.^۱

احکام قبله

مستحب است رو به قبله کردن در چند موضع: حالت دعاء، و حالت «قرائت قرآن» و حالت ذکر و حالت تعقیبات (نماز) و حالت سجده شکر و سجده تلاوت بلکه حالت نشستن مطلقاً (هر نشستنی).^۲

۱. پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. عروة الوثقی، (فیما یستقبل القبله، مسأله ۳).

۵. رو به قبله بودن

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۱

«از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شدی (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجد الحرام کن، این دستور حقیقی است از طرف پروردگارت، و خداوند از آن چه شما انجام می‌دهید غافل نیست».

جهتی که به آن رو می‌کنیم و به نیایش خداوند می‌پردازیم، «قبله» نام دارد. گرچه به هر سو که بایستیم رو به خداست، ولی توجه به یک کانون مقدس مانند کعبه، الهام‌بخش توحید و یادآور خط توحیدی ابراهیم علیه السلام است.

در آغاز اسلام، سال‌ها قبله مسلمانان، «بیت المقدس» بود. رسول خدا ﷺ نمی‌خواست کعبه را که به صورت بتخانه درآمده بود، قبله عبادت قرار دهد. ولی پس از هجرت، شرایطی پیش آمد که قبله مسلمانان از «بیت المقدس» به «مسجد الحرام» تغییر یافت. یکی از علل

۱. بقره / ۱۴۹.

شؤون زندگی خود را برای او خالص گردانند، غیر او را از خانه دل و صحنه دل و میدان عمل و دایره گفتار بزدایند، به او بیندیشند و برای او دوست بدارند، از او سخن بگویند و به خاطر او عمل کنند و همیشه در راه رضای او گام بردارند که «اخلاص دین» همین است.

در آیه بعد، بار دیگر روی مسأله «اخلاص» تأکید کرده می‌گوید: آگاه باشید، دین خالص از آن خداست ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾^۱.

آنچه خدا می‌پذیرد، تنها «دین خالص» است و تنها تنها تسلیم بی قید و شرط در برابر فرمان او است و هرگونه شرک و ریا و آمیختن قوانین الهی به غیر آن، مردود و مطرود است.^۱

روایات اخلاص

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ قَالَ: «لَيْسَ يَعْني أَكْثَرَ عَمَلًا وَلكِنْ أَصَوْنَكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْأَصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ ثُمَّ قَالَ الْإِبْتِغَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، وَ الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى...»^۲

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر فرموده خداوند متعال ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ می‌فرماید: منظور عمل بیشتر نیست، بلکه منظور این است که کدام یک صحیح‌تر عمل می‌کنید، و عمل صحیح آن است که توأم با خداترسی و نیت پاک باشد، سپس فرمود: نگهداری عمل از آلودگی (به ریا و

۶. اخلاص در تلاوت قرآن

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾^۱

«ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان * آگاه باشید، دین خالص از آن خداست». ممکن است منظور از «دین» در این جا «عبادت خداوند» باشد، چرا که قبل از آن با جمله ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ﴾ دستور می‌دهد، بنابراین دنباله آن، که ﴿مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ است، شرط صحّت عبادت یعنی اخلاص و خالی از هرگونه شرک و ریا و غیر خدا بودن را بیان می‌کند.

با این حال وسعت مفهوم «دین» و عدم هیچ‌گونه قید و شرط در آن، معنی گسترده‌تری را می‌رساند که هم عبادت را شامل می‌شود و هم اعمال دیگر و هم اعتقادات را، به تعبیر دیگر «دین»، مجموعه حیات معنوی و مادی انسان را در بر می‌گیرد و بندگان خالص خدا باید تمام

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۶ (کتاب الایمان و الکفر، باب الاخلاص، ح ۴).

نیات نادرست) مشکل تر است از خود عمل، و عمل خالص، عملی است که نخواهی هیچ کس جز خداوند متعال ترا به خاطر آن ستایش کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يَأْكُلُ بِهِ النَّاسَ، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ لَا لَحْمَ فِيهِ»^۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرموده: «هر کس قرآن را بخواند تا از این راه (نانی) بخورد، روز قیامت می آید در حالی که در صورت او جز استخوان، چیزی نیست».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ: فَلَانُ قَارِئُ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا وَ لَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَسْتَفِيعَ بِهِ فِي صَلَاتِهِ وَ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ»^۲.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرموده: «همانا برخی از مردم، قرآن را می خوانند تا مردم بگویند فلانی قاری قرآن است و برخی دیگر قرآن را می خوانند برای به دست آوردن مال دنیا، در این گونه قرائت ها هیچ خیری نیست و برخی از مردم قرآن را می خوانند تا از راهنمایی های آن بهره مند شوند و در نماز و در هر حال، شب و روز از آیات الهام بخش قرآن بهره معنوی و فکری بردارند».

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ... «وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يَرِيدُ بِهِ سُمْعَةً وَ التَّمَّاسَ الدُّنْيَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ عَظِيمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ وَ رَجَّحَ الْقُرْآنَ فِي قَفَاهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ النَّارَ وَ يَهْوِي فِيهَا مَعَ مَنْ هَوَى... وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ وَ تَقَقُّهَا فِي الدِّينِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ جَمِيعِ مَا أُعْطِيَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۳۷ (باب ۸ از ابواب قراءه القرآن، ح ۷).

۲. همان، ص ۸۳۶، ح ۲.

الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْمُرْسَلُونَ...»^۱

از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی که قرآن را از روی تظاهر و ریا و برای به دست آوردن مال دنیا بخواند، در روز قیامت محشور می شود در حالی که در صورت او جز استخوان چیز دیگری نیست و قرآن از پشت به او می کوبد تا داخل آتش کند (و در شعله ها رهاش می سازد) و در آتش داخل می شود به همراه داخل شوندگان... و کسی که قرآن را جهت خوشنودی خداوند و آگاهی در دین قرائت نماید برای او اجری است همانند پاداشی که به فرشتگان و پیامبران و رسولان خدا شده است».

احکام اخلاص

در نماز و مطلق عبادات (همچون قرائت قرآن)، خالص بودن نیت از ریا شرط است، پس اگر آنها را به قصد ریا انجام دهد آن عبادت باطل خواهد شد.

ریا از گناهان کبیره است چرا که شرک به خداوند متعال است.^۲

انواع ریا در عبادت (قرائت قرآن)

تقسیم بندی ذیل برداشتی است از توضیح انواع ریا در عبادات که از کتاب عروة الوثقی مبحث نیت نماز استفاده شده.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۳۷ و ۸۳۸ (باب ۸ از ابواب قراءه القرآن، ح ۸).

۲. عروة الوثقی، (فی النیة، مسأله ۸).

- ۱- قرائت، صرفاً برای خودنمایی باشد؛
- ۲- قرائت، هم برای خدا و هم برای خودنمایی باشد؛
- ۳- قرائت بعضی از آیات برای خدا و بعضی دیگر برای خودنمایی باشد؛

- ۴- اصل قرائت برای خدا باشد ولی بعضی از مستحبات قرائت برای خودنمایی باشد، مثلاً هنگام رسیدن به آیات بهشت و جهنم، از خداوند طلب بهشت نماید و از عذاب جهنم به خدا پناه برد و قاری این عمل را برای خودنمایی انجام دهد؛
- ۵- قرائت برای خدا باشد ولی مکان یا زمانی را که برای قرائت قرآن انتخاب کرده برای خودنمایی باشد؛

- ۶- قرائت برای خدا باشد ولی اوصاف عمل، ریایی باشد، مثلاً با صدای خیلی نیکو و یا چند آیه را با یک نفس بخواند تا مردم خوششان بیاید و او را تحسین کنند؛

- ۷- قرائت برای خدا باشد ولی اعمال خارجیه ریایی باشد، مثلاً لباسی را انتخاب می‌کند تا جلب توجه بیشتری نماید و یا به نحوی می‌نشیند که برای مردم تازگی داشته باشد.

۷. درود فرستادن بر محمد و آل محمد

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱

«خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و تسلیم فرمانش باشید». خداوند متعال در این آیه از مؤمنین خواسته است که بر پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود فرستند و تسلیم اوامر آن بزرگوار باشند و این دستور اختصاص به زمان معینی ندارد، از این‌رو مسلمانان به محض شنیدن نام آن حضرت، بر او و خاندانش درود می‌فرستند.

یکی از بهترین اوقاتی که لازم است بر آن حضرت و خاندانش درود فرستاده شود و زمانی است که قرآن کریم را برای تلاوت کردن به دست می‌گیریم، در این وقت برای قدرشناسی از صاحب این معجزه الهی و مُعَلِّم و مُفَسِّر بزرگ قرآن کریم حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت

گرامی او ﷺ که زحمات طاقت فرسایی را جهت گسترش تعالیم قرآن کریم متحمل شده‌اند، یاد آن بزرگواران را در دل خود زنده سازیم و بر آنها درود بفرستیم.

روایات درود فرستادن و نحوه آن

در تفسیر «درالمنثور» در ذیل همین آیه با سندهای متعدد نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ در جواب سؤال کنندگانی که کیفیت صلوات را می‌پرسیدند، چنین فرمودند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»^۱

خداوند! درود بفرست بر محمد و آل محمد، همان‌گونه که درود فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم، همانا تو ستوده و بزرگواری و مبارک گردان بر محمد و آل محمد، همان‌گونه که مبارک گرداندی بر ابراهیم و آل ابراهیم، همانا تو ستوده و بزرگواری.

«ابن حجر» در «صواعق» چنین نقل می‌کند: پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «لا تُصَلُّوا عَلَى الصَّلَاةِ الْبَتْرَاءِ، فَقَالُوا وَ مَا الصَّلَاةُ الْبَتْرَاءُ؟ قَالَ ﷺ: تَقُولُونَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ تَمْسِكُونَ بِلِ قَوْلُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»^۲

هرگز بر من صلوات ناقص نفرستید، عرض کردند: صلوات ناقص

۱. تفسیر درالمنثور، ج ۵، ص ۲۱۵-۲۲۰؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۰ به نقل از صواعق، ص ۱۴۴.

چیست؟ حضرت فرمودند: این که فقط بگویید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» و ادامه ندهید؛ بلکه بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «صَلَّاتُكُمْ عَلَيَّ إِجَابَةٌ لِدَعَائِكُمْ وَ زَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ»^۱.

امام صادق ﷺ از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: درود شما بر من، (مایه) اجابت است برای دعاها و شما و زکات است برای اعمالتان.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي»^۲.

اباذر! پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرموده است:

پیوسته دعا اجابت نمی‌شود تا اینکه بر من و اهل بیتم، درود فرستاده شود.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: «كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»^۳.

امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ می‌فرماید: همه دعاها (اجابت نمی‌شوند) و پوشیده می‌ماند از آسمان، تا این‌که درود فرستاده شود بر محمد و آل محمد.

احکام صلوات

آیا فرستادن صلوات بر پیامبر ﷺ واجب است یا نه؟ و اگر واجب است در کجا واجب می‌باشد؟ این سؤالی است که فقها به آن پاسخ

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۳۸ (باب از ابواب الدعاء، ح ۱۵).

۲. همان، ح ۱۳.

۳. همان، ح ۱۶.

می‌گویند: «تمام فقهای اهل بیت، آن را در تشهد اول و دوم نماز واجب می‌دانند^۱ و در غیر آن مستحب» و علاوه بر احادیثی که از طرق اهل بیت در این زمینه رسیده، در کتب اهل سنت نیز روایاتی که دال بر وجوب است، کم نمی‌باشد؛ از جمله در روایت معروفی، عایشه می‌گوید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَقْبَلُ صَلَاةٌ إِلَّا بِطَهْوَرٍ وَبِالْصَّلَاةِ عَلَيَّ»

نماز بدون طهارت و درود بر من قبول نخواهد شد.

از فقهای اهل سنت، شافعی آن را در تشهد دوم واجب می‌داند و احمد در یکی از دوروایتی که از او نقل شده و جمعی دیگر از فقها، ولی بعضی مانند ابو حنیفه آن را واجب نشمرده‌اند.

جالب این‌که شافعی، همین فتوا را در شعر معروفش صریحاً آورده است، در آنجا که می‌گوید:

«يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ إِنَّكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لِاصَلَاةِ لَهُ»

ای اهل بیت رسول الله؛ محبت شما از سوی خداوند در قرآن واجب شده است، در عظمت مقام شما همین بس که هر کس بر شما «صلوات» نفرستد، نمازش باطل است.^۲

۸. دعای پیش از تلاوت

كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ قَالَ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ حِينَ يَأْخُذُ الْمُصْحَفَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنزَّلُ، مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَ كَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ، جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَ حَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً، وَ قِرَاعَتِي فِيهِ فِكْرًا، وَ فِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانَ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ، وَ لَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاعَتِي عَلَى سَمْعِي وَ لَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً، وَ لَا تَجْعَلْ قِرَاعَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا، بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ، آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَ لَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا قِرَاعَتِي هَدْرًا، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ»^۱

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که آن حضرت قبل از قرائت قرآن کریم، هنگامی که قرآن را به دست می‌گرفتند، (در حدیث دیگر آمده که قرآن را به دست راست می‌گرفتند) این دعا را می‌خواندند:

خداوندا، من گواهی می‌دهم که این همان کتاب توست که فرو فرستاده شده از سوی تو بر پیامبرت محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله، و زبان گویای

۱. عروة الوثقی، (فصل فی التشهد).

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۱.

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۷ (باب ادعیه التلاوة).

تست که بر زبان پیامبرت جاری گشته است، تو آن را از سوی خویش، راهنمای خلق و ریسمانی (وسیله ارتباط) میان خود و بندگانت قرار داده‌ای.

خداوندا، من پیمان و کتابت را گشودم، از این رو خدایا، نگاهم را در آن عبات و تلاوتم را (همراه با) اندیشه، و اندیشه‌ام را در آن، مایه عبرت قرار ده، و مرا از کسانی قرار ده که با اندرزهای آن پندگیرد و از نافرمانی تو برحذر باشد، و برگوشم به هنگام تلاوت آن مَهر مگذار و بر چشمم پرده مپوشان، و تلاوتم را تلاوتی که در آن اندیشه نباشد قرار مده، بلکه مرا آن‌گونه بدار که در آیات و احکامش بیندیشم، و قوانین آیین تو را به کار بندم، و نگاهم را در آن مایه غفلت و تلاوتم را بیهوده‌گویی قرار مده که تو خود مهربان و بخشایشگری.

۹. استعاذه (پناه بردن به خداوند)

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۱

«هنگامی که قرآن می‌خوانی از شر شیطان رانده شده به خدا پناه بر». این آیه طرز استفاده از قرآن مجید را بیان می‌کند، زیرا پربار بودن محتوای قرآن به تنهایی کافی نیست، باید موانع نیز از وجود ما و از محیط فکر و جان ما برچیده شود تا به آن محتوای پربار دست یابیم.

البته منظور تنها ذکر جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» نیست، بلکه تخلُّق به آن شرط است یعنی ذکر این جمله مقدمه تحقق حالتی در نفس و جان انسان گردد؛ حالت توجّه به خدا، حالت جدایی از هوی و هوس‌های سرکش که مانع فهم و درک صحیح انسان است، حالت بیگانگی از تعصب‌ها و غرورها و خودخواهی‌ها و خودمحوری‌هایی که انسان را وادار می‌کند که از همه چیز، حتی از سخنان خدا به نفع خواسته‌های انحرافیش استفاده کند. و تا چنین حالتی در روح و جان

روایات استعاذه

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَغْلِقُوا أَبْوَابَ الْمُعْصِيَةِ بِالِاسْتِعَاذَةِ وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ».^۱
حضرت صادق علیه السلام می فرماید: درهای معصیت را با «استعاذه» ببندید و درهای اطاعت را با «تسمیه» باز کنید.

«استعاذه» در لغت به معنای «پناه بردن» می باشد و در اصطلاح عبارت است از جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» را گفتن. «بَسْمَلَهُ» و «تَسْمِيَهُ» معادل عبارت «بِسْمِ اللَّهِ» در زبان فارسی است و به معنای گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می باشد.

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ التَّعَوُّذِ مِنَ الشَّيْطَانِ، عِنْدَ كُلِّ سُورَةٍ نَفَثْتُهَا، فَقَالَ: نَعَمْ، فَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ...».^۲

حلبی می گوید از امام صادق علیه السلام در رابطه با حلم استعاذه هنگام شروع هر سوره قرآن کریم پرسیدم، حضرت فرمود: بله، پس پناه ببر به خداوند از شیطان رانده شده.

عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ قَالَ: تَقُولُ: «أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۳
سماعه از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه» پرسیدم که چگونه بگویم؟ آن حضرت فرمود: پناه می برم به خداوند شنوا و دانا از شر شیطان رانده شده.

انسان پیدا نشود، درک حقایق قرآن برای او ممکن نیست، بلکه به عکس ممکن است قرآن را با توسل به «تفسیر به رأی» وسیله ای قرار دهد برای توجیه خواسته های شرک آلودش.^۱

نکته چهره حقیقت هر قدر آشکار و درخشان باشد تا در برابر دیده بینا قرار نگیرد، درک آن ممکن نیست، و به تعبیر دیگر برای شناخت حقایق، دو چیز لازم است: آشکار شدن چهره حق و دارا بودن وسیله دید و درک. اما چه چیز باعث می شود که انسان از دیدن و شنیدن آیات حق محروم شود؟

بدون شک در درجه اول، پیش داوری های غلط، هوی و هوس های نفسانی، تعصب های کورکورانه افراطی، و گرفتار بودن در چنگال خودخواهی و غرور و خلاصه هر چیزی که صفای دل و پاکی روح انسان را بر هم زند و رنگ های تیره و تار به آن می دهد، همه اینها مانع درک حقیقت می باشند.

بنابراین منظور از آیه فوق، این نیست که تنها با گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قناعت کنیم، بلکه باید این ذکر را تبدیل به فکر و فکر را تبدیل به یک حالت درونی کنیم و به هنگام خواندن هر آیه، به خدا پناه بریم از این که وسوسه های شیطانی، حجاب میان ما و کلام حیات بخش خداوند متعال گردد.^۲

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۱۷ (باب القاف بعد الزاء، ما يتعلق بالقرآن المجید).

۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۵، ح ۶ به نقل از: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۰؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸، ح ۱۵ و ۱۶.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۶.

۲. تلخیص از تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۹.

فِي الْوَسَائِلِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي الْإِسْتِعَاذَةِ قَالَ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۱

در کتاب وسائل الشیعه از حضرت صادق علیه السلام در رابطه با نحوه «استعاذه» نقل می‌کند که حضرت جمله فوق را فرمودند:

فِي احْتِجَاجِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الرَّشِيدِ: أَنَّهُ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْهَدَ بِآيَةِ قَالَ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ثُمَّ قَرَأَ الْآيَةَ.^۲

در کتاب احتجاج، نحوه اقامه حجت و دلیل، توسط حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بر هارون الرشید، این‌گونه بیان می‌کند:

وقتی که آن حضرت می‌خواست به آیه‌ای از قرآن، استشهاد نماید، نخست می‌گفت: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سپس آیه را می‌خواندند.

شیخ طوسی، فقیه و مفسر بزرگ شیعه می‌فرماید: کلیه قراء اتفاق دارند بر گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قبل از گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۰۱، باب ۵۷ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰، ح ۲: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲.

احکام استعاذه

فقهای بزرگوار، گفتن «استعاذه» را (پیش از قرائت در رکعت اول) مستحب می‌دانند و در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه»، جملات «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» را نقل نموده‌اند.^۱

۱. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۱ (فی مستحبات القراءة).

خداست و هم «شروع کردن به نام او» و این دو یعنی «استعانت» و «شروع» لازم و ملزوم یکدیگرند، یعنی هم با نام او شروع می‌کنم و هم از ذات پاکش استمداد می‌طلبم.^۱

علمای علم قرائت، جملگی ذکر «بِسْمِ اللَّهِ» را آغاز قرائت هر بخشی از قرآن، لازم می‌دانند و هیچ یک از آنان، آغاز قرائت را بدون «بِسْمَلَه» جایز نمی‌شمارند.^۲

علاوه بر توصیه‌های عام، نسبت به ذکر «بِسْمَلَه»، در مواردی خاص، مانند اوقات خوردن غذا، نوشتن، رفتن به بستر برای خواب و برخاستن از بستر، تأکید بیشتری شده است، از این رو ذکر «بِسْمَلَه» برای مسلمانان به صورت شعار و نشانه دین اسلام درآمده است و بلند گفتن آن، از نشانه‌های ایمان شمرده می‌شود، چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام تلاوت قرآن، «بِسْمَلَه» را به صدای بلند می‌گفت و مشرکان از او روی می‌گرداندند،^۳ «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ لَوْ عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ نُفُورًا»^۴.

«و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند».

۱۰. تَسْمِيَه (آغاز کردن با نام خداوند)

«بِسْمَلَه»^۱ و «تَسْمِيَه» معادل عبارت «بِسْمِ اللَّهِ» در زبان فارسی است و به معنای: گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌باشد.

خداوند بزرگ در نخستین آیاتی که بر پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی فرمود، دستور می‌دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام، این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع نماید «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّيكَ»^۲.

بعضی از مفسرین کلمه «قرآن» را بعد از «اقرء» در تقدیر می‌دانند، یعنی: «أَقْرَأَ الْقُرْآنَ بِاسْمِ رَبِّيكَ» قرآن را با نام پروردگارت بخوان.^۲

از این رو بر مسلمانان نیز لازم است که قرآن را با «بِسْمِ اللَّهِ» شروع نمایند.

گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز هر کار، هم به معنی «استعانت جستن» به نام

۱. بَسْمَلَه، گفتن یا نوشتن «بِسْمِ اللَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، این مصدر به روش نحت (تراشیدن) از عبارت «بِسْمِ اللَّهِ» ساخته شده، یعنی از کنار هم نهادن پاره‌ای از حروف یک عبارت ساخته شده‌اند. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۴۲۶).

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۵.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵.

۲. النشر فی القراءات العشر، ابن الجزری، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۴۲۸.

۴. اسراء / ۴۶.

روایات بَسْمَلَهُ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، نخستین عبارت قرآن است که در اول سوره علق بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ ﴿وَآخِرُهُ﴾ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ ﴿١﴾

از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: اولین چیزی که بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده است ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ ﴿می باشد و آخرین چیزی که بر آن حضرت نازل شد﴾ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ ﴿می باشد.

كُلَيْبِيُّ بِسْنَادِهِ عَنْ فَرَاتِ بْنِ أَحْنَفٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فَإِذَا قَرَأْتَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فَلَا تُبَالِي أَلَا تَسْتَعِيدُ، وَإِذَا قَرَأْتَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ سَتَرْتِكَ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.»^٢

فَرَاتِ بْنِ أَحْنَفٍ می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمود: ابتدای همه کتاب هایی که از (طرف خداوند از) آسمان نازل شده ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است، پس وقتی که ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را خواندی، (بر تو) باکی نیست که «استعاذه» را نگوئی، پس هنگامی که ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را خواندی تو را پوشش می دهد

١. اصول کافی، ج ٢، ص ٦٢٨ (کتاب فضل القرآن، باب النوادر، ح ٥).

٢. فروع کافی، ج ٣، ص ٣١٣ (کتاب الصلاة، باب قراءة القرآن، ح ٣).

(حفظ می کند) آنچه که بین آسمان و زمین است.

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْهَرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ بِهَا، فَإِذَا سَمِعَهَا الْمُشْرِكُونَ وَلَوْ أُمْبِرِينَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴿وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾.»^١

ابی حمزه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرموده است: پیامبر گرامی اسلام ﷺ همواره «بسم الله» را بلند می گفت و صدایش را بلند می کرد، پس هنگامی که به گوش مشرکین می رسید، پشت کرده و روی بر می گرداند، پس خداوند (این آیه را) نازل فرمود «و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می کنی، آنها پشت می کنند و از تو روی بر می گردانند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُذَكَّرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرُ.^٢

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود بی فرجام خواهد بود.

١. تفسیر العیاشی، ج ١، ص ٢٠، ح ٦.

٢. بحار، ج ٢٦، ص ٣٠٥.

احکام تَسْمِيَّه

- ۱- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ جزئی از هر سوره می باشد و خواندن آن واجب است به استثنای سوره براءت (که «بسم الله» ندارد).
- ۲- ... اگر کسی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را به قصد سوره خاصی بگوید، در صورتی که از آن سوره به سوره دیگری عدول نماید، به آن «بسم الله» نمی تواند اکتفا کند بلکه واجب است «بسم الله» را [به نیت سوره مورد نظر] اعاده نماید.
- ۳- اگر کسی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را برای سوره خاصی مشخص نماید و سپس فراموش کند که کدام سوره را مشخص کرده؟ واجب است برای هر سوره ای که اختیار می کند «بسم الله» جداگانه ای بگوید.
- ۴- اگر کسی بدون این که سوره ای را مشخص نماید، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ بگوید در این صورت می تواند هر سوره ای که خواست بعد از آن بخواند.^۱
- ۵- مستحب است بلند گفتن «بسم الله» در نماز ظهر و عصر، برای حمد و سوره.^۲

۱. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۴۶-۶۴۸ (فی احکام القراءه، مسأله ۸ الی ۱۳).

۲. همان، ص ۶۵۰، مسأله ۲۱.

فصل دوم:

آداب و احکام هنگام تلاوت

۱. از رو تلاوت کردن قرآن؛
۲. قرائت قرآن با لحن عربی؛
۳. قرائت قرآن با ترتیل؛
۴. تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین؛
۵. تدبّر و به جا آوردن حق آیات؛
۶. سکوت در هنگام شنیدن قرآن؛
۷. سجده کردن هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده دار؛
۸. مقدار تلاوت قرآن؛
۹. مواردی که خواندن قرآن واجب است؛
۱۰. مواردی که خواندن قرآن مستحب است؛
۱۱. مواردی که خواندن قرآن حرام است؛
۱۲. مواردی که خواندن قرآن کراهت دارد.

۱. از رو تلاوت کردن قرآن

قال رسول الله ﷺ: «أفضل عبادة أمي تلاوة القرآن نظراً»^۱.

حضرت رسول الله ﷺ فرموده است: «برترین عبادت امت من، تلاوت قرآن با نگاه کردن روی متن آن می باشد».

در احادیثی که از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین عليهم السلام نقل گردیده است، سفارش بسیار شده که «قرائت قرآن از روی متن آن و همراه با نگاه کردن روی آیات باشد»، هر چند قاری قرآن، آیاتی را که تلاوت می کند از حفظ باشد و برای این نوع قرائت، آثار و بهره هایی ذکر کرده اند.

عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: جعلت فداك، إني أحفظ القرآن على ظهر قلبي، فأقرؤه على ظهر قلبي أفضل، أو أنظر في المصحف؟ قال: فقال لي: «بل اقرأه وانظر في المصحف، فهو أفضل، أما علمت أن النظر في المصحف عبادة»^۲.

اسحاق بن عمار می گوید به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت گردم، من قرآن را بر صفحه دلم از برم، پس از بر بخوانم بهتر است و یا این که در قرآن

۱. محجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۳۱ به نقل از کتاب آداب المتعلمين علامه طوسی (ره).

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳ (باب قراءة القرآن في المصحف، ح ۵).

بنگرم (و بخوانم)؟ حضرت فرمود: «بلکه در قرآن نگاه کنی و بخوانی بهتر است، مگر نمی دانی که «نگاه کردن در قرآن عبادت است؟».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُضْحَفِ، مُتَّعِ بَبَصَرِهِ، وَ حُفِّفَ عَنْ وَدَيْهِ وَ إِنْ كَانَا كَافِرَيْنِ».^۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است:

«کسی که قرآن را از روی آن تلاوت کند، چشمش بهره مند می شود و بارگناه پدر و مادرش سبک می گردد هر چند هر دو کافر باشند».

علت این همه سفارش بر نگاه کردن در قرآن در هنگام قرائت، اضافه بر بهره مند شدن چشم و نقش بستن آیات بر صحیفه دل، تأثیر این نوع قرائت است در تمرکز حواس و زمینه سازی جهت تفکر و تدبر در آیات تلاوت شده می باشد و بدیهی است که این نوع قرائت، نقش سازندگی خاصی در خودسازی مسلمانان خواهد داشت، از این رو برای شیطان (که هدفش بازدارندگی از خودسازی است) سخت ترین حالت می باشد.

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُضْحَفِ نَظْرًا.^۲

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت فرموده است: «سخت ترین حالت برای شیطان، قرائت قرآن با نگاه کردن روی آن می باشد».

یادسپاری: قرائت قرآن در نماز، از روی نوشته قرآن کراهت دارد.

۲. قرائت قرآن با لحن عربی

شکی نیست که قرآن به لغت عرب نازل گشته است و آیات متعددی بر این امر دلالت دارد از این رو بر مسلمانان است که با لغت عرب آشنا شده و قرآن را با لحن عربی تلاوت نمایند.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۲

روایات قرائت قرآن با لحن عربی

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ خَلْقَهُ.^۳

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: «عربی را فراگیرید، چرا که عربی کلام خداوند است که به وسیله آن با خلقتش گفتگو کرده است».

۱. یوسف / ۲. «ما قرآن را عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید (و ببندیشید)».

۲. زخرف / ۳. «ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما درک کنید».

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۰۹ (ذیل آیه ۲ سوره یوسف).

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳ (باب قراءه القرآن فی المصحف، ح ۱).

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۳ (باب ۱۹ از ابواب قراءه القرآن، ح ۲).

عَنْ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ.^۱

حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «قرآن را به صورت عربی آن فرا بگیرید».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَعْرَبِ الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ».^۲

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است:

«فصاحت و رسایی قرآن را آشکار سازید، چرا که قرآن به صورت عربی فصیح است».

البته این در صورتی است که یادگیری قرآن با لحن عربی، برای افراد غیر عرب امکان‌پذیر باشد در غیر این صورت همان قرائت معمولی از آنها پذیرفته خواهد شد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ الرَّجُلَ الْأَنْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعَجْمِيَّةٍ فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّةٍ.^۳

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «غیر عرب زبانان از امت من، قرآن را به لهجه عجمی خود می‌خوانند ولی فرشتگان آن را با لحن عربی بالا می‌برند».

۳. قرائت قرآن با ترتیل

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۱

یکی از آدابی که رعایت آن، چه در نماز و چه در غیر نماز مستحب مؤکد است، قرائت قرآن با ترتیل می‌باشد.

«ترتیل» در لغت به معنای: «تنظیم» و «ترتیب موزون» می‌باشد؛ و در اصطلاح قرائت عبارت است از: «خواندن قرآن به صورت منظم و شمرده که حروف و کلمات صحیح ادا شوند، همراه با تدبیر در معانی آیات».

در رابطه با معنای ترتیل، عبارتی به همین مضمون از حضرت علی علیه السلام نقل گردیده است: «لترتیل حفظ الوقوف و بیان الحروف».^۲

ترتیل عبارت است از: «انتخاب محل مناسب برای وقف نمودن و

۱. مزمل / ۴. «و قرآن را با دقت و تأمل بخوان».

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و در بحار، ج ۶۷، ص ۳۲۳، «حفظ الوقوف و اداء الحروف» آمده و در کتاب النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۰۹ «تجوید الحروف و معرفة الوقوف»، مضمون هر سه عبارت یکی است.

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۱۵ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۵).

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۱۹ (باب ان القرآن یرفع کما انزل، ح ۱).

تلفظ صحیح حروف».

در تفسیر «ترتیل» روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که هر کدام به یکی از ابعاد وسیع آن اشاره می‌کند.

در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که:

«بَيْنَهُ تَبَيَّنًا وَ لَا تَهْدُهُ هَذَا الشَّعْرُ وَ لَا تَنْتُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَ لَكِنْ اِقْرَعْ بِه الْقُلُوبَ الْقَاسِيَةَ وَ لَا يَكُنْ هُمْ اَحَدِكُمْ اٰخِرَ السُّورَةِ»^۱

«ترتیل» یعنی: آن را به طور روشن بیان کن، نه مانند اشعار، سریع و پشت سر هم بخوان و نه مانند دانه‌های شن آن را پراکنده ساز، لکن چنان بخوان که دل‌های سنگین را با آن بکوبی و بیدار کنی، هرگز هدف شما این نباشد که حتماً به آخر سوره برسید (مهم آن است که محتوای آیات را درک کنید).

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام در تفسیر «ترتیل» می‌خوانیم:

«إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَ سَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّةَ وَ إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَ تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^۲

«وقتی از کنار آیه‌ای می‌گذری که در آن نامی از بهشت است، توقف

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸ - همین حدیث با مختصر تفاوتی در اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱) آمده: «وَلَكِنْ اَفْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَ لَا يَكُنْ هُمْ اَحَدِكُمْ اٰخِرَ السُّورَةِ».

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸ - همین حدیث با مختصر تفاوتی در اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۷ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۲) آمده: «فَقِفْ عِنْدَهَا وَ سَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّةَ... فَقِفْ عِنْدَهَا وَ تَعَوَّذْ...».

کن و از خدا بهشت را بطلب (و خود را برای آن بساز) و هنگامی که از آیه‌ای می‌گذری که در آن نام دوزخ است از آن به خدا پناه بر (و خویشتن را از آن دور دار)».

در روایت دیگری از همان امام علیه السلام آمده که در تفسیر «ترتیل» فرموده است: «هُوَ اَنْ تَتَمَكَّتْ فِيهِ وَ تَحْسِنَ بِه صَوْتَكَ»^۱

«ترتیل آن است که در آیات مکث کنی، و با صدای خوب آن را بخوانی».

و نیز در حدیث دیگری از همان حضرت چنین نقل شده است:

«إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يَقْرَأُ هَذْرَمَةً وَ لَكِنْ يُرْتَلُ تَرْتِيلاً إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ وَقَفْتَ عِنْدَهَا وَ تَعَوَّذْتَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ...»^۲

«قرآن را سریع و تند نباید خواند، بلکه باید با ترتیل خوانده شود، هرگاه از آیه‌ای می‌گذری که در آن سخنی از دوزخ است، می‌ایستی و از آتش دوزخ به خدا پناه می‌بری».

و بالاخره در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت آیات را از یکدیگر جدا می‌کرد و صدای خود را می‌کشید.^۳

این روایات و روایات دیگری که به همین معنی در «اصول کافی» و «نور الثقلین» و «در المنثور» و سایر کتب «حدیث» و «تفسیر» نقل شده،

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸ (باب فی کم یقرأ القرآن و یختم، ح ۵).

۳. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸. (یعنی آخر آیات، وقف می‌نمود، و حروف مدی را با دو حرکت مدّ و کشش می‌خواند).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در معرفی بهترین قاری قرآن فرموده‌اند: «بهترین قاری قرآن کسی است که وقتی تلاوتش را می‌شنوی، احساس کنی که او از خداوند می‌ترسد»^۱.

احکام ترتیل

۱- مستحبات قرائت در نماز: ... سوم: ترتیل، یعنی قرائت با دقت و آرام و آشکار ساختن حروف به نحوی که شنونده بتواند آنها را بشمارد...؛ پنجم: وقف نمودن بر فواصل آیات؛ ششم: ملاحظه کردن معانی آن چه را که می‌خواند و مُتَعَطِّ شَدْن (پند گرفتن) به آنها، هفتم: طلب نمودن نعمت از خداوند منان هنگام تلاوت آیه‌ای که در آن ذکر نعمتی است؛ و پناه بردن به خداوند متعال هنگام تلاوت آیه‌ای که در آن ذکر عذابی شده است...^۲.

۲- کسی که قرائتش صحیح نیست، واجب است یاد بگیرد...^۳.

۳- کسی که قرائتش صحیح نیست و یا نمی‌تواند بعضی از حروف را درست تلفظ کند و توان یادگیری صحیح هم نداشته باشد، می‌تواند به آنچه که می‌داند اکتفا کند...^۴.

همگی گواه بر این حقیقت است که نباید آیات قرآن را به عنوان الفاظی خالی از محتوا و پیام، تلاوت کرد بلکه باید به تمام اموری که تأثیر آن را در خواننده و شنونده عمیق می‌سازد، توجه داشت و فراموش نکرد که این پیام الهی است و هدف، تحقق بخشیدن به محتوای آن است.^۱

بدیهی است چنین قرآن خواندنی می‌تواند به سرعت به انسان رشد و نمو معنوی و شهادت اخلاقی و تقوا و پرهیزگاری ببخشد و اگر بعضی از مفسران آن را به معنی نماز خواندن تفسیر کرده‌اند به خاطر آن است که یکی از بخش‌های مهم نماز «تلاوت قرآن» است.^۲

نکته همان گونه که دقت فرمودید در معنای «ترتیل قرآن کریم» اضافه بر «قرائت صحیح» و «انتخاب محل مناسب برای وقف نمودن»؛ «توجه به معانی و تدبّر در آیات قرآن» نیز مورد تأکید قرار گرفته است، نکته‌ای که متأسفانه امروز، بسیاری از مسلمانان از این واقعیت فاصله گرفته‌اند و از قرآن، تنها به الفاظی اکتفا نموده‌اند و همشان فقط ختم سوره و ختم قرآن است، بی‌آنکه بدانند این آیات، برای چه نازل شده؟ و چه پیامی را ابلاغ می‌کند؟ درست است که الفاظ قرآن نیز محترم و خواندن آن دارای فضیلت می‌باشد ولی نباید فراموش کرد که این الفاظ و تلاوت آن، مقدمه بیان محتواست.

۱. بحار، ج ۹۲، ص ۱۹۵. «عن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ سُئِلَ أَيُّ النَّاسِ أَحْسَنُ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ».

۲. عروة الوثقی، (فصل فی مستحبات القراءة).

۳. عروة الوثقی، (فصل فی قراءة، م ۳۲).

۴. همان، مسأله ۳۳.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۷۰-۱۷۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۶۷.

۴- اگر کسی عمداً به چیزی از کلمات یا حروف (حمد و سوره) خلل وارد کند، یا حرفی را به حرف دیگر تبدیل نماید، حتی «ضاد» را به «ظاء» یا بالعکس، نمازش باطل است و همچنین اگر اخلال در حرکت بنایی یا اعرابی یا مدّ واجب، یا تشدید یا سکون لازم باشد و یا حرفی را از غیر مخرج ادا کند به طوری که در عرف عرب از صدق آن حرف، بیرون رود، نماز باطل است.^۱

۵- واجب است حذف همزه وصل در وسط کلام، مثل همزه «الله» و «الرّحمن» و «الرّحیم» و «اهدنا» و اگر آن را بخواند، باطل است و همچنین واجب است اثبات همزه قطع، مثل همزه «أنعمت» و اگر آن را حذف کند، باطل است.^۲

۶- احتیاط آن است که وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید.^۳

۷- اگر کسی بخواهد کلمه‌ای را به ما بعدش وصل نماید، واجب است که حرکت آخر آن را بداند، مثلاً اگر نخواهد روی کلمه «العالمین» وقف کند و بخواهد آن را با «الرّحمن الرّحیم» وصل نماید، واجب است بداند که حرکت نون «عالمین» مفتوح است و همین طور در سایر کلمات.^۴

۸- واجب نیست دانستن مخارج حروف، بر اساس آنچه را که علمای تجویدی بیان کرده‌اند، بلکه همین قدر که حروف از مخارجشان بیرون

آیند کفایت می‌کند، اگر چه (قاری) متوجه آن نباشد....^۱

۹- مدّ واجب، مدّی است که بعد از حروف مدّی (واو ما قبل مضموم، یاء ما قبل مکسور، الف ما قبل مفتوح) همزه باشد، مثل: «جَاءَ» و «سُوءٌ» و «جِئَ» و یا بعد از حروف مدّی، سکون لازم باشد به خصوص در صورتی که حرف ساکن در حرف دیگر ادغام شده باشد، مثل: «الضّالّین».^۲

۱۰- اگر در هنگام مدّ (واجب باشد یا جایز) بیشتر از مقدار متعارف «مدّ» دهد، در صورتی کلمه از صدق آن کلمه بودن خارج نشود، نماز را باطل نمی‌کند.^۳

۱۱- واجب نیست رعایت نمودن مُحَسِّنَات قرائت که علمای تجویدی ذکر کرده‌اند، مانند: اِمَاله، اِشْبَاع، تَفْخِيم و تَرْقِيق و امثال آن، بلکه ادغام به استثنای آنهایی که (لازم بود رعایت آنها که) قبلاً ذکر شد؛ اگر چه رعایت نمودن آنها بهتر است.^۴

۱۲- شایسته است رعایت نمودن مطالبی را که علمای تجویدی بیان کرده‌اند، از اظهار تنوین و نون ساکن در صورتی که بعد از آنها یکی از حروف حلقی باشد، و قلب نمودن تنوین و نون ساکن به «میم» در صورتی که بعد از آنها حرف «باء» باشد، و ادغام آنها در صورتی که بعد از

۱. همان، مسأله ۳۷.

۲. همان، مسأله ۳۸.

۳. همان، مسأله ۳۹.

۴. همان، مسأله ۴۰.

۱. همان، مسأله ۴۱.

۲. همان، مسأله ۴۲.

۳. همان، مسأله ۴۳.

۴. عروة الوثقی، (فصل فی قراءه، ۵۳).

آنها یکی از حروف «یرملون» باشد و یا اخفای آنها در صورتی که بعد از آنها یکی از حروف مابقی باشد. لکن رعایت هیچ یک از این موارد واجب نیست، حتی ادغام در «یرملون».^۱

۱۳- اگر در قرائت آیه یا کلمه‌ای شک کند در صورتی که از محل آن گذشته باشد باید آن را اعاده نماید و اگر از محل آن گذشته باشد به قصد احتیاط اعاده جایز است. و اگر مکرر در آیه یا کلمه‌ای شک کند اگر از روی وسواس نباشد، تکرار آن اشکالی ندارد، ولی اگر از روی وسواس باشد، قائل به صحت اعاده، مشکل است.^۲

ملاک صحت قرائت (ترتیل)

«ملاک در صحت قرائت، موافقت آن با نحوه قرائت اهل لغتی است که قواعد تجوید از آنها گرفته شده است. بنابراین اگر اختلاف نظرات علمای تجوید در کیفیت تلفظ یکی از حروف، ناشی از اختلاف آنان در فهم نحوه تلفظ اهل لغت باشد، مرجع حل اختلاف، خود عرف اهل لغت است. ولی اگر اختلاف نظرات آنان ناشی از اختلاف خود آنان در کیفیت تلفظ باشد، مکلف در انتخاب هر یک از آن اقوال مخیر است. کسی که قرائت خود را صحیح نمی‌داند، باید در صورت تمکن برای یادگیری قرائت صحیح اقدام نماید.»^۳

«واجب است که همه ذکرهای واجب نماز، از قبیل حمد و سوره و غیر آنها به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمی‌داند، واجب است که یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است».^۱

سؤال ۴۷۶: «اگر بر اثر سهل انگاری و یا لهجه‌ای که انسان به آن تکلم می‌کند، اشتباهی در قرائت حمد و سوره و یا اعراب و حرکات کلمات نماز رخ دهد، مثلاً کلمه «یُؤَلِّد» به جای فتح لام به کسر لام خوانده شود، نماز چه حکمی دارد؟»

جواب: اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) باشد، نماز باطل است، وگرنه نماز صحیح است. البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحت، به صورت مذکور خوانده باشد، در هر صورت قضای آنها واجب نیست.^۲

حکم امام جماعتی که قرائتش صحیح نمی‌باشد

«اگر قرائت مکلف، صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی‌توانند به وی اقتدا کنند».^۳

«ملاک صحت قرائت، عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و اداء حروف از مخارج آن، به طوری که اهل لسان، آن را اداء آن حرف

۱. همان، سؤال ۴۶۷.

۲. همان، سؤال و جواب ۴۷۶.

۳. همان، سؤال و جواب ۵۸۷.

۱. همان، مسأله ۵۴.

۲. عروة الوثقی، (فصل فی مستحبات قراءه، م ۱۲).

۳. اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری (جواب سؤال ۴۶۵).

بدانند نه حرف دیگر؛ اگر مأموم قرائت امام را مطابق قواعد و صحیح نداند، نمی تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتداء، نماز او صحیح نیست و اعاده آن واجب است»^۱.

«رعایت محسنات تجوید لازم نیست ولی اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی تواند به او اقتدا کند، لکن شرکت ظاهری در نماز جماعت برای یک غرض عقلانی، اشکال ندارد»^۲.

۴. تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین

صدای نیکو و زیبا، تأثیر شگرفی در تحوّل و دگرگونی روح انسان دارد، از این رو خداوند متعال، همه پیامبرانش را با صدای نیکو و زیبا، فرستاد تا بهتر بتوانند مردم را به سوی صراط مستقیم هدایت کنند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا أَحْسَنَ الصَّوْتِ»^۱.

امام صادق عليه السلام فرموده است: «خداوند هیچ پیامبری، مبعوث نفرمود، مگر این که صدایش نیکو بوده است».

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ»^۲.

امام باقر عليه السلام فرموده است: «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خوش صداترین مردم بود نسبت به قرائت قرآن».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَ السَّقَاوُونَ يَمْرُونَ، فَيَقِفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ، وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنَ

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۶ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱۰).

۲. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۸۵؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۷۲.

۱. همان، سؤال و جواب ۵۸۹.

۲. همان، سؤال و جواب ۵۹۱.

النَّاسِ صَوْتًا»^۱

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است: «صدای علی بن الحسین - صلوات خداوند بر او باد - در تلاوت قرآن از همه مردم، خوش تر بود، و سقاها در هنگام گذشتن از خانه آن حضرت، می ایستادند و به قرائتش گوش فرا می دادند؛ و امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز خوش صداترین مردم در قرائت بود».

شکی نیست که یکی از معجزات قرآن، فصاحت کلمات و تعبیرات، بلاغت کلام و دقت اعجازآمیز در گزینش کلمات و هماهنگی همه اینها با محتوا و مدلول آیات می باشد.^۲

اگر آیات قرآن، اضافه بر تلفظ صحیح حروف و رعایت آهنگ بیانی آیات با لحن عربی و صدای نیکو نیز خوانده شود، بیشتر و بهتر در عمق جان مستمعین، نفوذ خواهد کرد، از این رو در روایات، تأکید فراوانی شده که اضافه بر قرائت قرآن با ترتیل و به صورت عربی آن، با صدای نیکو و خوش نیز خوانده شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ».^۳

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می فرماید که آن حضرت فرموده است: «برای هر چیز، زینتی است و زینت قرآن، صدای خوش و نیکو می باشد».

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۶ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱۱).

۲. مقصد لحن سخن و گفتار می باشد، این که جمله خبری است یا انشائی؟ سؤالی است یا تعجبی؟ هر یک آهنگ خاص خود را در سخن گفتن و قرائت، نیاز است.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۹).

عَنْ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حَسِنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا».^۱

حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می فرماید که آن حضرت فرموده است: «قرآن را با صدای خوش و نیکو، زینت دهید، چرا که صدای خوش و نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید».

صدای خوش و زیبا اگر همراه با توجه به معنای آیات و خوف و هراس از عظمت مقام الهی باشد، تأثیر آن در روح و روان قاری و مستمعین، اعجازآمیز خواهد بود.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ سُئِلَ، أَيُّ النَّاسِ أَحْسَنُ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَنْ إِذَا سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ.^۲

از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که از آن حضرت پرسیده شد: کدام مردم، صدای قرآن شان نیکوتر است؟ فرمودند: کسی که وقتی قرائتش را می شنوی، می بینی که خشیت خداوند (را در دل) دارد.

«خَشِيَّتْ به معنی ترسی است آمیخته با تعظیم، و غالباً در مواردی به کار می رود که از علم و آگاهی به چیزی سرچشمه می گیرد و لذا در قرآن، این مقام را مخصوص عالمان شمرده شده است، پس خَشِيَّتْ یعنی: ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار».^۳

از این رو در روایات، اضافه بر صدای نیکو، به قرائت قرآن با صدای

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۹ (باب ۲۴ از ابواب قراءة القرآن، ح ۶).

۲. بحار، ج ۹۲، ص ۱۹۵ (باب ۲۱ از ابواب القرآن، ح ۱۰).

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۷.

حزین و دل‌نشین نیز تأکید شده است.

چراکه قرآن، کتاب هدایت و یادآورِ مسئولیت خطیر انسانی و هشدار دهندهٔ عاقبت شومِ زندگی بر اساس افکار غلط و روحیات فاسد می‌باشد و پیوسته حقایق زندگی دنیا و آخرت را به ما گوشزد می‌نمایند و فضای نزول قرآن با حزن آمیخته شده بر این اساس از ما نیز خواسته شده تا قرآن را با صوت حزین و دل‌نشین بخوانیم.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ، فَأَقْرُوهُ بِالْحُزْنِ».^۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: «همانا قرآن توأم با حزن، نازل گشته است، پس آن را با حزن بخوانید».

و در حدیث می‌خوانیم: «خداوند به موسی علیه السلام وحی نمود که هرگاه در برابرم ایستادی پس همچون فرد ذلیل بی‌چیز بایست و هرگاه تورات خواندی، پس با صوت حُزن‌آمیزی، آن را به من بشنوان».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيَّ فَقِفْ مَوْقِفَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ وَإِذَا قَرَأْتَ التَّوْرَةَ فَاسْمَعْنِيهَا بِصَوْتِ حَزِينٍ».^۲

و این حالت، در سیرهٔ ائمهٔ معصومین علیهم السلام نیز مشاهده می‌نماییم: عن حفص: «فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ حَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا أَرَجَى النَّاسَ مِنْهُ، وَ كَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا، فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا».^۳

حفص بن غیاث (از اصحاب و یاران نزدیک آن حضرت) می‌گوید:

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ج ۲ و ۶).

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ج ۲ و ۶).

۳. همان، ص ۶۰۶ (باب فضل حامل القرآن، ج ۱۰).

«من از جهت خوفِ خدا بر نفسِ خود، کسی را شدیدتر از موسی بن جعفر علیه السلام ندیدم، و همچنین امیدوارترین مردم (به رحمت خداوند نیز کسی مثل او مشاهده نمودم)، قرائت آن حضرت حزن‌آمیز بود، پس هرگاه قرآن می‌خواند، گویا انسانی را مورد خطاب قرار می‌داد».

قرائت در فضای حزن، برخاسته از دردمندی و احساسِ مسئولیتِ الهی، حساب و کتاب روز قیامت می‌باشد.

در پایان تذکر این نکته لازم است که: روایات در کنار تأکید بر قرائت قرآن با صدای نیکو و حزین، از قرائت قرآن با لحن و آهنگ اهل فسق و فجور نیز نهی فرموده‌اند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِ وَ أَصْوَاتِهَا وَ إِنَّاكُمْ وَ لُحُونُ أَهْلِ الْفِسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيحَ الْغِنَاءِ وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَ قُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ».^۱

امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: «قرآن را با لحن و آهنگ عرب بخوانید؛ و از لحن و آهنگ اهل فسق و گناهان کبیره بر حذر باشید، پس بی‌شک بعد از من اقوامی می‌آیند که قرآن را در گلو می‌چرخانند همانند چرخاندن آوازخوانان و نوحه خوانان و راهبان که از حنجره‌هاشان فراتر نمی‌رود؛ دل‌های آنها وارونه است و دل‌های کسانی که از کار اینان به شگفت درآیند».

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ج ۳).

احکام صدای نیکو

مستحبات قرائت در نماز... چهارم: قرائت قرآن با صدای خوش و نیکو کردن صوت بدون غنا.^۱

سؤال: اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد نامحرم می‌تواند به آن گوش دهد؟ آیا در این مورد، تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب: در صورتی که زن به طور ساده، قرآن بخواند، مانعی ندارد؛ ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند، گوش دادن مرد اجنبی، جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی‌کند.^۲

آیت الله خوئی رحمته الله معتقد است که دو چیز در تحقق غنا معتبر است:

اول: ماده (محتوای) آن امری باطل و لهو باشد؛

دوم: هیئت (لحن) آن مشتمل بر مدّ و ترجیع باشد.

هرگاه یکی از این دو عنصر منتفی باشد، غنا صدق نمی‌کند. بنابراین، زیبا ساختن صدا در قرائت قرآن و ترفیق صوت قرآن و نیز قسمت‌هایی از کلمات خطبا و وعاظ که به صورت ترجیع ادا می‌گردد، خارج از غنا هستند، البته از قرائت قرآن با لحن اهل فسق (با هیئت و کیفیتی که مختص مجالس لهو طرب است) نهی گردیده است.^۳

شهید ثانی در شرح لمعه (ج ۳، ص ۲۱۲) غنا را این‌گونه تعریف نموده است: «إِنَّهُ مَدَّ الصَّوْتِ الْمُشْتَمِلُ عَلَى التَّرْجِيعِ الْمُطْرَبِ»

۱. عروة الوثقی، (فصل فی مستحبات القراءة).

۲. احکام بانوان، آیت الله مکارم شیرازی، سؤال ۷۱۷.

۳. محاضرات فی الفقه، به قلم سید علی شاهرودی، ص ۲۳۸.

مراد از غنا، کشش صوت است که مشتمل بر ترجیع مطرب باشد.

امام خمینی رحمته الله در تحریر الوسیله (ج ۱، ص ۴۹۷) می‌فرماید:

«غنا» مجرد صوت خوب نیست، بلکه کشیدن صوت و ترجیع آن به کیفیت خاص مطربی که مناسب مجالس لهو، محافل طرب و آلات لهو ملامهی است باشد.

امام خمینی رحمته الله در کتاب «مکاسب المحرمة» در توضیح کلام فیض کاشانی و محقق سبزواری در همین باب چنین می‌فرماید:

ظاهر عبارت آن بزرگان این است که غنا بر دو قسم است: غنای حق و غنای باطل.

غنای حق: خوانندگی با اشعاری است که متضمن یادآوری بهشت و جهنم و تشویق کننده به سوی دار قرار (آخرت) است؛

غنای باطل: آن نوع غنای متعارف در مجالس اهل لهو، همچون مجالس بزمی بنی‌امیه و بنی‌عباس است.

بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۱

«کسانی که کتاب (آسمانی) را به آنها دادیم (اگر با دقت و تدبّر) آن را تلاوت کرده و حق تلاوتش را (که تفکر و اندیشه و سپس عمل است) به جای می‌آورند، آنان به یقین به قرآن و پیامبر اسلام ایمان می‌آورند، و کسانی که آیات قرآن و پیامبر اسلام را انکار کنند، مسلماً از زیانکاران خواهند بود».

مردم در برابر آیات الهی سه دسته‌اند:

- ۱- دسته‌ای که تمام قواعد صحیح خوانی و تجوید را رعایت می‌کنند اما کاری به عمل ندارند و در آیات آن نیز تفکر نمی‌کنند؛
 - ۲- دسته‌ای که اضافه بر صحیح خوانی و رعایت قواعد تجویدی، در آیات آن تفکر و اندیشه می‌کنند و در ریزه‌کاری‌ها و نکات قرآن می‌اندیشند و از علوم آن آگاهند اما از عمل خبری نیست؛
 - ۳- دسته‌ای که قرآن را به عنوان یک کتاب عمل و یک برنامه کامل زندگی پذیرفته‌اند خواندن الفاظ و اندیشه در معانی و درک مفاهیم این کتاب بزرگ را مقدمه‌ای برای عمل می‌دانند، و لذا هر زمان که قرآن را می‌خوانند، روح تازه‌ای در کالبد آنها پیدا می‌شود، تصمیم و اراده تازه، آمادگی و اعمال تازه و این است حق تلاوت.
- در حدیثی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ذکر شده می‌خوانیم که فرموده است: «يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَقَّهُونَ بِهِ وَيَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَيَرْجُونَ وَعْدَهُ وَ

۵. تدبّر و به جا آوردن حق آیات

﴿كَتَبْنَا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱

خداوند متعال در این آیه، هدف از نزول قرآن را تفکر و اندیشه در آیات آن بر می‌شمارد، چرا که تعلیمات قرآن، جاویدان و دستوراتش، عمیق و ریشه‌دار و برنامه‌هایش، حیات‌بخش و راهبر انسان در طریق هدف آفرینش می‌باشد، البته به شرطی که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه و مایه بیداری وجدان‌ها گردد و آن نیز به نوبه خود، حرکتی در مسیر عمل بیافریند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «... أَلَا أَحْيَرُ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ...»^۲

حضرت صادق عليه السلام از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل می‌فرماید که آن حضرت فرموده است: «آگاه باشید، قرائتی که تدبّر و اندیشه به همراه نداشته باشد، هیچ خیر و نفعی در آن نیست».

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ

۱. ص / ۲۹. «این قرآن) کتاب پر برکتی است که به سوی تو فرو فرستادیم تا در آیات آن

بیندیشند و صاحبان مغز و اندیشه از آن پند گیرند».

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۳۰ (باب ۳ از ابواب قراءه القرآن، ح ۷).

يَخَافُونَ وَعَيْدَهُ وَيَعْتَبِرُونَ بِقِصَصِهِ وَيَتَمَرُونَ بِأَمْرِهِ وَيَنْتَهُونَ بِنَوَاهِيهِ، مَا هُوَ وَاللَّهُ حِفْظُ آيَاتِهِ وَرُوسُ حُرُوفِهِ وَتِلَاوَةُ سُورِهِ وَدَرْسُ أَعْشَارِهِ وَأَخْمَاسِهِ حَقَّظُوا حُرُوفَهُ وَأَضَاعُوا حُدُودَهُ وَإِنَّمَا هُوَ تَكْبِيرُ آيَاتِهِ وَالْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾^۱.

منظور این است که: آیات آن را با دقت بخوانند و حقایق آن را درک کنند و به احکام آن عمل نمایند؛ به وعده‌های آن امیدوار و از وعیدهای آن ترسان باشند؛ از داستان‌های آن عبرت گیرند، به اوامرش گردن نهند و نواهی آن را بپذیرند؛ به خدا سوگند منظور حفظ آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره‌ها و یاد گرفتن اعشار^۲ و آخماس آن نیست، آنها حروف قرآن را حفظ کردند اما حدود آن را ضایع ساختند، منظور تنها این است که در آیات آن بیندیشند و به احکامش عمل کنند، چنانچه خداوند می‌فرماید: «این کتاب پربرکتی است که ما بر تو فرو فرستادیم تا در آیاتش تدبّر و اندیشه کنی».

۶. سکوت در هنگام شنیدن قرآن

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^۱

«مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آن خوانده می‌شود ایمانشان افزون می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند».

نشانه تلاوت صحیح و واقعی، آن است که در خواننده اثر کند و بر ایمان شنونده افزوده شود. تلاوت قرآن آن چنان حرمتی دارد که شنونده موظف است گوش فرا دهد.

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲

«هنگامی که قرآن خوانده می‌شود (با توجه) به آن گوش دهید و ساکت باشید که مشمول رحمت شوید».

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۶۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۳۱ و ۴۳۲.

۲. منظور از «اعشار» و «آخماس» تقسیماتی است که در قرآن می‌شود، مانند تقسیم به سی جزء و یا هر جزء به چهار حزب و امثال آن است، در تقسیم‌بندی اولیه قرآن، هر پنج آیه، پنج آیه می‌شمردند، پنج آیه اول را «خمس» و پنج آیه دوم را «عشر» می‌گفتند و جمع آنها «آخماس» و «اعشار» می‌باشد.

۱. انفال / ۲.

۲. اعراف / ۲۰۴. (استماع، یعنی با دقت گوش دادن، به خلاف «سماع» که به گوش خوردن است «وَأَنْصِتُوا» از ماده «انصات» به معنی سکوت توأم با گوش فرا دادن می‌باشد.

سکوت کردن برای قرآن، چه در نماز و چه در غیر نماز، هرگاه نزد تو قرآن خوانده شود بر تو واجب است که سکوت کنی و گوش فرا دهی».

بعضی از آثار استماع قرآن

۱- ترفیع درجه و محو سینه

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ اسْتَمَعَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً»^۱.

«هر کس یک حرف از کتاب خداوند را بدون این که بخواند به دقت گوش فرا دهد برایش حسنه‌ای نوشته می‌شود و گناهی از او پاک می‌گردد و یک درجه مقامش افزایش می‌یابد».

۲- دفع بلاهای دنیوی و اخروی

أَبُو مُحَمَّدٍ السُّكْرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يُدْفَعُ اللَّهُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْآنِ بَلْوَى الدُّنْيَا وَعَنْ قَارِيهِ بَلْوَى الآخِرَةِ»^۲.

خداوند از مستمع قرآن، گرفتاری دنیا و از تلاوت کننده آن گرفتاری آخرت را دفع می‌نماید.

۳- ایجاد نور در قیامت

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳.

«هر کس به یک آیه از قرآن به دقت گوش فرا دهد، برایش نوری در قیامت خواهد بود».

بعضی از فقهای امامیه، فتوا به وجوب استماع دادن و دیگران فتوا به استحباب آن و گفته‌اند وجوب استماع و انصات مخصوص در نماز جماعت است که مأموم باید گوش به قرائت امام دهد.

علی‌ای حال؛ تلاوت قرآن آن قدر محترم است که استماع و انصات یا واجب است و یا مستحب، زیرا یکی از بهترین آثار آن، افزایش ایمان مؤمنان راستین است. چنان‌که در نگهداری آن سهم به سزایی دارد، زیرا گوش فرا دادن به قرآن موجب می‌شود که معانی آن به خوبی فهمیده شود و هم سبب پیدایش حالت اندرز پذیری خواهد بود تا در نتیجه به احکام آن عمل شود و عمل به محتوای قرآن، خود ایمان است و باعث ازدیاد ایمان می‌گردد.^۱

عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فِي الْفَرِيضَةِ خَلَفَ الْإِمَامُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصَتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۲.

از امام باقر عليه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: «هنگام خوانده شدن قرآن در نماز واجب، پشت سر امام، به آن گوش فرا دهید تا مورد رحمت الهی واقع شوید».

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «يَجِبُ الْإِنْصَاتُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ وَ غَيْرِهَا وَ إِذَا قُرِئَ عِنْدَكَ الْقُرْآنُ، وَجَبَ عَلَيْكَ الْإِنْصَاتُ وَ اسْتِمَاعٌ»^۳.

زراره می‌گوید از حضرت صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: «واجب است

۱. تفسیر موضوعی قرآن (آیت الله جوادی آملی)، ج ۵، ص ۱۲ و ۱۳.

۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۵۶ و ۵۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۶۱ (باب ۲۶ از ابواب قراءه القرآن، ج ۶).

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۱.

۲. همان، ص ۱۸۲.

۳. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۸۹.

احکام استماع قرآن

«اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را بخواند ولی باید آهسته بخواند» و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد.^۱

سؤال: در مراسم فاتحه، در بعضی از شهرستان‌ها رسم است که هنگام تلاوت قرآن، افراد شرکت کننده با صدای بلند به بازماندگان تسلیت می‌گویند و بازماندگان جواب آنها را می‌دهند. آیا این عمل جایز است؟

جواب: بهتر است احترام قرآن را بیشتر رعایت کنند و از این کار پرهیزند.^۲

۷. سجده کردن هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده‌دار

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ الْعَزَائِمَ أَرْبَعٌ: اقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، وَالنَّجْمُ، وَتَنْزِيلُ السَّجْدَةِ، وَحَمِ السَّجْدَةَ».^۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: «همانا سوره‌های عزائم چهارتا است، ۱. اَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (سوره علق)، ۲. وَالنَّجْمُ (سوره نجم)، ۳. وَتَنْزِيلُ السَّجْدَةِ (سوره سجده)، ۴. حَمِ السَّجْدَةَ (سوره فصلت)».

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید، «عزائم» در لغت به معنای «واجبات» می‌باشد و علت نام‌گذاری آن به «عزائم» به اعتبار واجب شدن سجده در هنگام قرائت می‌باشد.^۲

«عزیمت» در مقابل «رخصت» به معنای «چیزی است که انجام دادن آن لازم باشد»، عَزَائِمُ السُّجُودِ: عبارت است از: سوره‌هایی که در آن،

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۸۱ (باب ۴۲ از ابواب قراءه القرآن، ج ۷).

۲. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۵۵.

۱. رساله عملیه امام خمینی (ره)، مسأله ۱۴۶۲.

۲. استفتاءات جدید، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، سؤال ۱۷۱۲.

احکام سجده تلاوت

۱- واجب است سجده کردن بر قاری و شنونده (بلکه هر کس که به گوشش برسد بنا بر اظهر) یکی از آیات چهارگانه‌ای که در چهار سوره قرآن آمده است و آنها عبارتند از:

۱. سوره سجده (آیه ۱۵) وقتی که به ﴿وَلَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ رسید؛
 ۲. سوره فصلت (آیه ۳۷) وقتی که به ﴿إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ رسید؛
 ۳. سوره نجم (آیه ۶۲ آخر سوره) وقتی که به انتهای آیه رسید؛
 ۴. سوره علق (آیه ۱۹ آخر سوره) وقتی که به انتهای آیه رسید.
- و مستحب است سجده کردن در یازده مورد و آنها عبارتند از:
۱. سوره اعراف (آیه ۲۰۶ آخر سوره)، وقتی که به ﴿وَلَهُ يُسْجُدُونَ﴾ رسید؛
 ۲. سوره رعد (آیه ۱۵) وقتی که به ﴿وَظَلَّلَهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ رسید؛
 ۳. سوره نحل (آیه ۴۹ و ۵۰) وقتی که به ﴿وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ رسید؛
 ۴. سوره بنی اسرائیل (آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹) وقتی که به ﴿وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ رسید؛
 ۵. سوره مریم (آیه ۵۸)، وقتی که به ﴿خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ رسید؛
 ۶. سوره حج (آیه ۱۸)، وقتی که به ﴿يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ رسید؛
 ۷. سوره حج (آیه ۷۷)، وقتی که به ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ رسید؛
 ۸. سوره فرقان (آیه ۶۰)، وقتی که به ﴿وَزَادَهُمْ نُفُورًا﴾ رسید؛
 ۹. سوره نمل (آیه ۲۵ و ۲۶)، وقتی که به ﴿رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ رسید؛

آیات سجده موجود است و بر قاری و شنونده آن آیات، لازم است که برای خداوند سجده نموده و به تسبیح و حمد پروردگارشان بپردازند و این سجده، واجب است و حتماً باید انجام بپذیرد، در مقابل، آیات سجده دیگری است که بر قاری و شنونده آن آیات، سجده کردن لازم و حتمی نیست بلکه مستحب است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْعَزَائِمُ الْمَنْزِيلُ، وَحَمُّ السَّجْدَةِ وَالنَّجْمُ وَاقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ وَ مَا عَدَاهَا فِي جَمِيعِ الْقُرْآنِ مَسْنُونٌ وَ لَيْسَ بِمَقْرُوضٍ»^۱

و از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که آن حضرت فرموده است: «عزائم عبارتند از: الم تنزیل، و حم السجده، و النجم و اقرأ باسم ربك. و سواى این‌ها در تمامی قرآن مستحب است و واجب نمی‌باشد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْلَمُ السُّورَةَ مِنَ الْعَزَائِمِ فَتَعَادَ عَلَيْهِ مِرَاراً فِي الْمَقْعَدِ الْوَاحِدِ؟

قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ كُلَّمَا سَمِعَهَا وَ عَلَى الَّذِي يَعْلَمُهَا أَيْضاً أَنْ يَسْجُدَ»^۲

محمد بن مسلم می‌گوید: از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال نمودم از شخصی که در حال یادگیری سوره‌های عزائم می‌باشد و این آیات (آیاتی که سجده واجب دارد) بر او به تکرار خوانده می‌شود؟

حضرت پاسخ فرمودند: «در برابر هر بار شنیدن، یک سجده بر او واجب می‌شود و همچنین بر کسی که آیات را بر او می‌خواند».

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۸۱ (باب ۴۲ از ابواب قراءه القرآن، ج ۹).

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۵.

شخصی و یا جماعتی نیز همزمان همان آیات را بخوانند در این جا نیز احتیاطاً باید سجده را تکرار کند.

۸- در وجوب سجده فرقی نیست بین شنیدن (آیات سجده) از مکلف یا غیر مکلف مثل صغیر یا مجنون در صورتی که به قصد قرائت قرآن بخوانند.

۹- اگر در بین نماز، آیات سجده را بشنود و یا قرائت نماید، باید با اشاره سجده کند و بعد از نماز، سجده را به جا آورد و نماز را دوباره اعاده نماید.

۱۰- اگر کسی در حال سجده، آیه سجده را بخواند و یا بشنود، واجب است سر از سجده بردارد و سپس به سجده رود و ادامه دادن همان سجده به قصد سجده واجب و یا کشیدن پیشانی از جای سجده به طرف دیگر، کفایت نمی‌کند.

۱۱- ظاهراً لازم نیست نیت سجده را در حال نشستن یا ایستادن کرده باشد و بعد به سجده رود یا این که سر از سر شدن نیز به قصد سجده باشد بلکه اگر اندکی قبل از گذاردن پیشانی بر زمین نیت کند کافی است.

۱۲- ظاهر آن است که در وجوب سجده، بودن قرائت به قصد قرآن معتبر است، بنابر این اگر شخصی به وسیله آیه سخن بگوید بدون این که قصد تلاوت قرآن را داشته باشد، با شنیدن آن، سجده واجب نمی‌شود و همچنین اگر آیه سجده را از بچه غیر ممیز یا شخص خواب و یا از ضبط صوت بشنود. اگر چه احتیاط آن است که در همه موارد سجده نماید.

۱۳- لازم است هنگام شنیدن، کلمات و حروف آیه را از هم تمیز

۱۰. سوره ص (آیه ۲۴)، وقتی که به ﴿وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابٌ﴾ رسید؛

۱۱. سوره انشقاق (آیه ۲۱)، وقتی که به ﴿إِذَا قُرِءَ﴾ رسید؛

بلکه احتیاط بهتر، سجده کردن نزد هر آیه‌ای است که در آن امر به سجده شده باشد.

۲- وجوب و استحباب سجده، مختص قاری و شنونده و کسی است که آیات (مذکوره) به گوشش بخورد اما بر کسی که آیات را بنویسد و یا تصور کند و یا آن که نوشته آن را ببیند و یا به قلبش خطور دهد، سجده واجب نمی‌شود.

۳- آنچه که سبب سجده می‌شود، تمامی آیه می‌باشد، بنابراین با خواندن مقداری از آیه، هر چند لفظ سجده آن باشد، سجده کردن واجب نمی‌شود.

۴- وجوب سجده، فوری است و تأخیر آن جایز نیست و اگر فراموش نماید و یا از روی معصیت ترک کرده باشد هر وقت یادش بیاید، باید سجده کند.

۵- اگر بخشی از آیات مذکور را خودش قرائت کند و بقیه‌اش را بشنود، احتیاط واجب آن است که سجده کند.

۶- اگر آیات سجده را خودش غلط بخواند و یا قاری غلط بخواند و او بشنود، احتیاط واجب آن است که سجده کند.

۷- اگر آیات سجده پشت سر هم تکرار شود، خواه این تکرار به خواندن باشد یا شنیدن، بایستی سجده را نیز به همان تعداد تکرار کرد، بلکه اگر خواندن و شنیدن همزمان باشد به این که در هنگام خواندن او،

دهد؛ بنابراین با شنیدن همهمه، سجده واجب نمی‌شود، اگر چه احوط آن است که سجده کند.

۱۴- با خواندن یا شنیدن ترجمه آیات سجده، سجده واجب نمی‌شود، اگر چه به قصد ترجمه آیه باشد.

۱۵- در این سجده، اضافه بر تحقق سجده، نیت و مباح بودن مکان و بلند نبودن موضع سجده پیش از چهار انگشت نیز معتبر است و احتیاط آن است که مواضع سجده را بر زمین گذارد و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و سایر شرایط سجده معتبر نیست، مانند: طهارت از حدث، ... استقبال قبله، طهارت موضع سجده، ستر عورت، ... تنها لباس نباید غصبی باشد...

۱۶- در این سجده، تشهید و سلام و گفتن «الله اکبر» در اول آن، لازم نیست، بلکه مستحب است گفتن «الله اکبر» وقتی که سر از سجده بر می‌دارد، بلکه احتیاط در گفتن آن است.

۱۷- مجرد سجده کفایت می‌کند و گفتن ذکر واجب نیست، اگر چه گفتن ذکر، مستحب می‌باشد و در انجام این مستحب هر ذکری کفایت می‌کند ولیکن بهتر این است که گفته شود:

«سَجَدْتُ لَكَ تَعْبُدًا وَ رِقًا، لَأْمُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَأْمُسْتَنْكِفًا وَ لَأْمُتَّعِظًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»^۱

۱. سجده می‌کنم برای تو پروردگارا از روی عبودیت و بندگی تا اعلام نمایم که نسبت به عبادت تو تکبری ندارم و آن را ترک نخواهم کرد و خود را - در برابر تو - بزرگ نمی‌دانم بلکه - در برابر تو - بنده‌ای ذلیل، ناتوان، ترسان و پناه آورنده‌ام.

یا بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصْدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَ رِقًا، لَأْمُسْتَنْكِفًا وَ لَأْمُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»^۱

«إِلَهِي أَمَّنًا بِمَا كَفَرُوا، وَ عَرَفْنَا مِنْكَ مَا أَنْكُرُوا، وَ أَجِنَّاكَ إِلَى مَا دُعُوا، إِلَهِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ»^۲

یا بگوید آن چیزی را که پیامبر ﷺ در سجده سوره «علق» فرمودند و

آن این است:

«أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ مَعَاذَاتِكَ عَنْ عِقُوبَتِكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَأُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِي»^۳

۱۸- اگر آیات سجده را مکرر شنیده و در حداقل و حداکثر آن شک کند، جایز است به حداقل اکتفا نماید و اگر تعداد سجده واجب را بداند ولی در تعداد سجده‌های انجام شده شک کند در این جا نیز باید بنا را بر اقل بگذارد (و باقی را انجام دهد).

۱۹- در صورت وجوب تکرار سجده، مجرد برداشتن پیشانی از زمین

۱. هیچ معبودی حقیقتاً جز «الله» نیست، هیچ معبودی را جز «الله» باور نداشته و تصدیق نمی‌کنم، هیچ معبودی جز «الله» عبادت و بندگی نخواهم کرد، پروردگارا برای تو سجده می‌کنم و به خاطر اظهار عبودیت و بندگی و اعلام می‌دارم که بنده مخالفت‌کننده و متکبر نیستم بلکه - در برابر تو - بنده‌ای ذلیل، ناتوان، ترسان و پناه آورنده‌ام.

۲. خداوندا ایمان آوردیم به آنچه دیگران کافر شدند و معرفت پیدا کردیم از جانب مقدست به چیزهایی که دیگران منکر شدند، و اجابت نمودیم آنچه را که از طرف تو دعوت شدیم، خداوندا پس مرا مورد عفو و بخشش قرار ده.

۳. پناه می‌برم به رضایتت از غضبت و به عفو از مجازاتت و پناه می‌برم به وجود مقدست از انتقام گرفتنت، نمی‌توانم ثنایت را بگویم آن‌گونه که خود ثنا نمودی.

و گذاردن مجدد آن به جهت سجده دیگر کافی است و لازم نیست بنشینند و باز به سجده رود، بلکه برداشتن سایر مواضع سجده هم معتبر نمی باشد اگر چه احوط برداشتن آنهاست.^۱

۲۰- بر شخص جُنُب واجب نیست برای سجده تلاوت، غُسل کند.^۲

۲۱- سؤال: «شنیدن آیاتی که سجده در اثر شنیدن آنها واجب می شود

از نوارهای قرآن که از ضبط صوت یا صدا و سیما پخش می شود چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مرقوم، سجده واجب است.^۳

۲۲- بر زن حائض واجب سجده (تلاوت) هنگامی که آیات سجده دار

را بشنود.^۴

۸. مقدار تلاوت قرآن

﴿فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرءَانِ﴾^۱

قرآن، کلام خداوند رحمان، سند نبوت و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد. قرآن، معیار و الگو، محکِ درستی و نادرستی اندیشه ها و احکام و رفتارهاست.

آنچه با قرآن، مخالف باشد بی اعتبار است و تطبیق و هماهنگی هر کلام و فکری با وحی الهی، دلیل حُجَّت و اعتبار آن می باشد، از این رو خداوند متعال از همه مسلمانان خواسته است که «هر قدر برای آنها میسر و امکان پذیر می باشد به قرائت و تلاوت قرآن کریم بپردازند» تا نسبت به معارف قرآن کریم و اصول و فروع دین مبین اسلام، آشنایی لازم را پیدا کنند.

در کتاب های تفسیر، مقدار آیاتی که هر روز باید خوانده شود را بعضی پنجاه آیه و بعضی به یک صد آیه و بعضی دویست آیه تفسیر

۱. مزمل / ۲۰. «پس آنچه برای شما ممکن و آسان است از قرآن بخوانید».

۱. عروة الوثقی (فصل فی سائر اقسام السجود از مسأله ۲ الی ۲۰).

۲. عروة الوثقی (فصل فیما یتوقف علی الغسل من الجنابة).

۳. اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، سؤال ۵۰۰.

۴. عروة الوثقی، فی احکام الحائض، مسأله ۲.

کرده‌اند، ولی هیچ یک از این اعداد، دلیل خاصی ندارد، بلکه مفهوم آیه، این است که هر مقداری که انسان به زحمت نمی‌افتد، از قرآن بخواند. بدیهی است، منظور از «تلاوت قرآن» در این جا، تلاوتی است به عنوان درس و فراگیری برای خودسازی و پرورش ایمان و تقوا.^۱

در تفسیر مجمع البیان، در ذیل این آیه، روایتی را از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است:

«مَا تَبَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَ صَفَاءُ السِّرِّ»^۲

آن مقدار بخوانید که در آن، خشوع قلب و صفای باطن (و نشاط روحانی و معنوی) باشد.

در مجموعه روایی ما، سفارش و تأکید فراوانی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در رابطه با قرائت روزانه قرآن کریم و نهی از ترک قرائت شده است؛ اما در رابطه با مقدار تلاوت روزانه، روایات مختلف است و از مجموع آنها چنین استفاده می‌شود که ملاک، خواندن با فهم و تدبیر در آیات می‌باشد؛ از این رو ائمه اطهار علیهم السلام با توجه به حال سؤال کننده، جواب می‌فرمودند، به بعضی، هفته‌ای یک ختم، و به بعضی دیگر، ماهی یک ختم قرآن، بیشتر اجازه نمی‌دادند.^۳

در این مبحث به چند تایی آنها اشاره می‌کنیم:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۹۴؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸۳ (ذیل آیه).

۲. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۶۲ (باب ۲۷ از ابواب قراءة القرآن).

عَهْدِهِ وَ أَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً»^۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: قرآن عهد و برنامه الهی است و بسیار شایسته است که هر فرد مسلمانی در عهدنامه الهی، به دقت نظر افکند و هر روز دست کم پنجاه آیه را (با تدبیر) تلاوت کند.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ، عَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً»^۲

مُعَمَّر بن خلاد می‌گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: سزاوار است برای مرد (مرد بون خصوصیتی ندارد در اینجا چون مخاطب حضرت مرد بوده است) وقتی که صبح می‌کند بعد از تعقیبات، پنجاه آیه تلاوت کند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ؟ قَالَ: «لَا يُعْجِبُنِي أَنْ تَقْرَأَهُ فِي أَقَلِّ مِنْ شَهْرٍ»^۳

محمد بن عبدالله می‌گوید از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: قرآن را در یک شب بخوانم؟ حضرت فرمودند: «پسندم نمی‌آید این که قرآن را در کمتر از یک ماه بخوانی».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَا يَمْنَعُ النَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سَوْقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۰۹ (باب فی قراءه، ح ۱).

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹ (باب ۱۵ از ابواب قراءة القرآن، ح ۳).

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۱۷ (باب فی کم یقرا القرآن و یختم، ح ۱) و حدیث ۹ قال: لا یعجبنی أن یقراء

القرآن فی اقل من شهر، وسائل، ج ۴، ص ۸۶۴، ح ۹.

يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ فَتَكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ»^۱

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: «چه چیز مانع می شود، تاجری از شما که مشغول است در بازار، وقتی که به خانه اش بازگشت، نخواهد مگر این که سوره ای از قرآن را بخواند، تا برای او نوشته شود به جای هر آیه ای که می خواند، ده حسنه و پاک گردد از او ده سیئه (گناه).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ... وَمُصْحَفٌ مَعْلَقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يَقْرَأُ فِيهِ»^۲

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: «سه گروه نزد خداوند شکایت می کنند... مصحف قرآنی که رها شده و غبار گرفته ای که خوانده نشود».

برای بهره مند شدن هر چه بیشتر از قرآن کریم شایسته است برنامه ای مرتب برای خواندن قرآن کریم داشته باشیم و در شبانه روز، قسمتی از اوقات خود را برای خواندن آیات قرآن و فهم معانی آن در نظر بگیریم؛ مثلاً می توانیم هر روز بعد از نماز صبح و یا نماز مغرب و عشاء، چند دقیقه ای قرآن بخوانیم تا به یاری خداوند روز به روز با این کتاب مقدس بیشتر مانوس شویم.

۹. مواردی که خواندن قرآن واجب است

﴿فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

تمامی مفسران و فقهای شیعه، اتفاق نظر دارند که این آیه، دلالت بر وجوب قرائت قرآن در نماز شب و نمازهای واجب روزانه دارد؛ و مقدار آن در نمازهای واجب، قرائت سوره حمد و یک سوره کامل دیگر می باشد.^۲

در روایتی، از امام رضا عليه السلام علت وجوب قرائت قرآن در نماز را این گونه بیان می فرماید: «أَمَرَ النَّاسَ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا وَلِيَكُنْ مَحْفُوظًا مَذْرُوسًا فَلَا يَضْمَحِلُّ وَ لَا يُجْهَلُ...»^۳

به مردم دستور داده شده «به قرائت قرآن در نماز»، تا که قرآن متروک و ضایع نگردد، بلکه محفوظ بماند و (به عنوان) درس درس خوانده

۱. مزمل / ۲۰. «پس آنچه برای شما ممکن و آسان است از قرآن بخوانید».

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۲؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۹۴؛ حدائق الناظره، ج ۸، ص ۹۰ و... .

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۳۳ (باب ۱ از ابواب القراءة القرآن فی الصلاة، ح ۳).

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۱۱ (باب ثواب قراءة القرآن، ح ۲).

۲. همان، ص ۶۱۳ (باب قراءة القرآن فی المصحف، ح ۳).

شود و نابود و فراموش نشود.

و در روایت دیگری، علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر رضی الله عنه می پرسد: شخصی در نمازهای واجب، تنها یک سوره را می خواند، در حالی که سوره های دیگر را نیز به خوبی بلد است، حکم او چیست؟ حضرت در جواب می فرماید: اگر غیر از آن سوره را به خوبی بداند، این کار را نکند؛ والا اگر نمی داند، اشکالی ندارد.^۱

و روایات متعدد دیگری که از جمله آنها می توان «وجوب قرائت قرآن در نماز» را استنباط نمود؛ و حداقل آن، قرائت حمد و یک سوره کامل دیگر می باشد.

اما حکم شرعی قرائت قرآن در غیر نماز، بعضی از فقهاء گفته اند مستحب است و بعضی احتمال وجوب داده اند، چرا که تلاوت قرآن، موجب آگاهی بر دلائل توحید و ارسال رسل و اعجاز این کتاب آسمانی و فراگیری سایر واجبات دین می گردد، بنابراین تلاوت قرآن، مقدمه واجب است و واجب می باشد.^۲ در این صورت بر هر مکلفی واجب است، برای تعلیم و تربیت و آگاهی بر اصول و فروع اسلام و همچنین حفظ قرآن و رساندن آن به نسل های آینده، به مقدار میسور، قرآن را تلاوت کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۳۸ (باب ۶ از ابواب القراءة القرآن فی الصلاة، ح ۱).

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۹۵.

احکام وجوب قرائت قرآن

۱. واجب است در نماز صبح و دو رکعت اول از سایر نمازهای واجب، قرائت سوره حمد و یک سوره کامل دیگر بعد از آن.^۱
۲. قرائت قرآن به واسطه نذر، عهد و قسم واجب می شود.^۲
۳. اگر شخصی شیئی را به کسی اهدا کند و شرط نماید که مقدار معینی از قرآن را بخواند در این صورت بر شخص گیرنده هدیه، عمل به شرط واجب می شود.^۳
۴. اگر کسی برای قرائت قرآن اجیر شده باشد، بر او واجب می شود.^۴

۱. عروة الوثقی، فصل فی القراءة.

۲. استفتاءات جدید آیت الله تبریزی، سؤال ۱۳۱۱ و استفتاءات آیت الله مکارم، سؤال ۱۰۱۶.

۳. همان، سؤال ۱۷۳۹، و سؤال ۱۰۱۸.

۴. استفتاءات جدید آیت الله تبریزی، سؤال ۱۹۳۴.

اشاره می‌کنیم:

۱. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»^۱.

از پیامبر ﷺ نقل شده که فرموده‌اند: «برترین عبادت‌ها، قرائت قرآن است».

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابُّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَكَانَ الْقُرْآنُ حَجِيْرًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»^۲.

از امام صادق ﷺ نقل شده که آن حضرت فرموده است: هر کس قرآن را بخواند در حالی که جوان مؤمنی باشد، قرآن با گوشت و خون او عجین خواهد شد و خداوند او را با سفیران بزرگوار و نیکوکار قرار خواهد داد و قرآن جداکننده او (از عذاب آخرت) خواهد بود در روز قیامت.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: (فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ لِعَلِيِّ ﷺ) قَالَ: «وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ».

امام صادق ﷺ (از سفارش‌های پیامبر به حضرت علی ﷺ) می‌فرماید: بر تو باد به تلاوت قرآن در هر حالی^۳.

عَنِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ: «عَلَيْكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ».

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵ (باب ۱ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۱۰).

۲. همان، ج ۴، ص ۸۳۳ (باب ۶ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۱).

۳. همان، ص ۸۳۹ (باب ۱۱ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۱).

۱۰. مواردی که خواندن قرآن مستحب است

﴿فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

آیا تلاوت مقدار ممکن از قرآن که در این آیه دو بار به آن امر شده، واجب است یا جنبه استحبابی دارد؟
ظاهر امر در جمله ﴿فَأَقْرءُوا﴾ وجوب است (چنان که در اصول فقه بیان شده) مگر این که گفته شود این «امر» به قرینه «اجماع فقها بر عدم وجوب» یک امر استحبابی است.

قرائت قرآن در روایات

صاحب وسائل، بعد از بحث قرائت قرآن در نماز، بحثی را تحت عنوان «ابواب قرائت قرآن در غیر نماز» مطرح نموده و صدها روایت در ۵۱ باب آورده که بیشتر آنها، حداقل دلالت بر استحباب یادگیری و قرائت قرآن کریم به صورت روزانه دارد، برای نمونه به چند تای آن،

۱. مزمل / ۲۰. «پس آنچه برای شما ممکن و آسان است از قرآن بخوانید».

فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ، اقْرَأْ وَارْقُ فَكُلَّمَا قَرَأَ آيَةً يَرْقَى دَرَجَةً»^۱.

امام صادق علیه السلام فرمودند: بر شما باد به تلاوت قرآن، پس به درستی که درجات بهشت بر اساس تعداد آیات قرآن می باشد، هنگامی که قیامت می شود، به قاری قرآن گفته می شود؛ بخوان و بالا برو، و (قاری قرآن) هر آیه ای که می خواند، یک درجه بالا می رود.

با توجه به هدف از نزول قرآن و آیات و روایاتی که از همه می خواهد تا به قرائت قرآن بپردازند، (اگر دلالت بر وجوب نداشته باشند)، شکی باقی نمی ماند که «قرائت قرآن یک امر مستحب و مورد تأکید اسلام» می باشد و قرائت قرآن همیشه و همه جا مطلوب است، اما در بعضی موارد، سفارش بیشتری شده و قاری قرآن از اجر و پاداش مضاعفی برخوردار خواهد شد، از جمله:

۱. در حال نماز:

در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، خواندن حمد و یک سوره کوتاه، کفایت می کند ولی تأکید شده که در نماز، قرآن بیشتری خوانده شود،^۲ چراکه اجر و پاداش قرائت قرآن در نماز، ده برابر حالت غیر نماز می باشد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا فِي صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَنْ قَرَأَهُ فِي صَلَاتِهِ جَالِسًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَ مَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ صَلَاتِهِ

۱. همان، ص ۸۴۲، ح ۱۰.

۲. عروة الوثقی، فصل فی مستحبات القراءة، مسأله ۱۰.

كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ»^۱.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: کسی که قرآن را ایستاده در نمازش بخواند خداوند در برابر هر حرفی صد حسنه برای او می نویسد و کسی که نشسته در نمازش بخواند خداوند در برابر هر حرفی پنجاه حسنه برای او می نویسد و کسی که در غیر از نماز بخواند در برابر هر حرفی ده حسنه برای او می نویسد.

۲. در حال وضو و بعد از آن:

بعضی از مستحبات وضو...، پانزده: خواندن «سوره قدر» در حال وضو؛ شانزده: خواندن «آیه الکرسی» بعد از وضو.^۲

۳. در حال تعقیب نماز:

در تعقیب نماز، خواندن قرآن مستحب است، ولی بعضی از سوره ها و آیات تأکید بیشتری شده، مانند: سوره حمد و آیه الکرسی و آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...»^۳، و آیه ملک،^۴ و خواندن دوازده مرتبه سوره توحید و سپس دعا کردن.^۵

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۱۱ (باب ثواب قراءة القرآن، ح ۱).

۲. عروة الوثقی، فصل فی بعض المستحبات الوضوء.

۳. آل عمران / ۱۸.

۴. آل عمران / ۲۶.

۵. عروة الوثقی، فصل فی التعقیب، امر هشتم و یازدهم.

۴. هنگام زیارت قبور مؤمنین:

(فصل: در مستحبات قبل از دفن و هنگام دفن و بعد از آن است، و آنها عبارتند از): ... سی و پنجم: مستحب است زیارت قبور مؤمنین و درود فرستادن بر آنها... و همچنین مستحب است قرائت قرآن و طلب رحمت و مغفرت برای آنها و تأکید می شود که در روز دوشنبه و پنجشنبه به خصوص بعد از ظهر پنجشنبه... و مستحب است برای زائر اینکه دستش را بر قبر گذارد و رو به قبله باشد و هفت بار «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» (سوره قدر) را بخواند و مستحب است خواندن سوره «حمد» و «مَعُودَتَيْنِ» و «آیة الکرسی» هر یک سه بار و بهتر این است رو به قبله بنشیند و جایز است ایستاده باشد؛ و نیز مستحب است خواندن «یس» و...^۱

۱۱. مواردی که خواندن قرآن حرام است

۱. خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند، بر شخص جُنُب، حرام است. هر چند بعضی از قسمت‌های آن باشد (بنابر احتیاط)، ولی اقوی این است که حرمت قرائت، تنها اختصاص به آیات سجده باشد (نه کل سوره).^۱

۲. خواندن آیات سجده و بنابر احتیاط خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند بر زن حائض حرام است.^۲
 ۳. حکم نَفَسَاء، همانند حکم حیض است در قرائت آیات سجده‌دار.^۳

۵. در بالین محتضر:

مستحب است برای زودتر راحت شدن محتضر (کسی که در حال جان‌کندن است) بر بالین او، سوره «یس» و «صافات» خوانده شود و همچنین مستحب است خواندن «آیة الکرسی» و آیه پنجاه و چهار سوره اعراف و سه آیه آخر بقره و سوره احزاب بلکه هر چه از قرآن ممکن است.^۲

۱. عروة الوثقی، فصل فی ما یحرم علی الجُنُب، الخامس. (جنابت و جُنُب شدن: حالت انسان پس از مقاربت یا انزال منی که غسل بر او واجب می‌شود).
۲. عروة الوثقی، فصل فی احکام الحائض، الثالث. (حائض: زنی که در حالت حیض و عادت ماهیانه باشد، و به خونی که از رحم زن، ماهی یک مرتبه و به مدت چند روز ادامه دارد، حیض می‌گویند).
۳. عروة الوثقی، فی احکام النفاس، مسأله ۱۰. (نَفَسَاء به زنی می‌گویند که تازه زاییده باشد و به خونی که پس از زاییدن از زنان خارج می‌شود، نفاس می‌گویند).

۱. عروة الوثقی، فی مستحبات الدفن، مورد ۳۵.

۲. همان، فی احکام الأموات، فصل فیما یتعلق بالمحتضر، الخامس.

۴. برای مستحاضه متوسطه و کثیره، جایز نیست قرائت سوره‌هایی که سجده واجب دارند، ولی اگر به وظایفش (از غسل و وضو) عمل کند در این صورت جایز است قرائت سوره‌هایی که سجده واجب دارند و مَسَّ کتاب قرآن.^۱

۵. خواندن قرآن به صورت سرود همراه با آهنگ جایز نمی‌باشد.^۲

۱۲. مواردی که خواندن قرآن کراهت دارد

عَنْ الصَّادِقِ، عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: «سَبْعَةٌ لَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ: الرَّاحِبُ وَالسَّاجِدُ وَفِي الْكَنْيَفِ وَفِي الْحَمَامِ وَالْجُنُبِ وَالنُّفْسَاءِ وَالْحَائِضِ».^۱
قَالَ الصَّدُوقُ رحمته الله: هَذَا عَلَى الْكِرَاهَةِ لَا عَلَى النَّهْيِ...

حضرت صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام نقل می‌فرماید که حضرت علی عليه السلام فرموده است: هفت گروه قرآن نخوانند، آن کس که در حال رکوع است، در حال سجده است، در مستراح (دستشویی)، در حمام، شخص جنب و نفساء و حائض.

صدوق رحمته الله در ذیل این حدیث می‌فرماید: نهی حضرت در اینجا دلالت بر کراهت دارد نه حرمت.

لازم به توضیح است که در مستراح (دستشویی) خواندن «آیه الكرسي» و آیه «الحمد لله رب العالمين» استثناء شده است:

عَمْرُ بْنُ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّسْبِيحِ فِي الْمَخْرَجِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ عليه السلام: لَمْ

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۱. عروة الوثقى، فی احکام الاستحاضه، مسأله ۱۸. (استحاضه: خون آمدن از رحم زن بعد از ایام حیض، بیوسته خون آمدن از زن پس از روزهای عادت، و به زن در آن حالت، مستحاضه می‌گویند).

۲. استفتاءات امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۱۴، مسأله ۳۲؛ استفتاءات جدید آیت الله تبریزی (ره)، سؤال ۱۹۶۵.

احکام

۱. کراهت دارد در رکوع اموری... چهارم: قرائت قرآن در حالت رکوع.^۱
۲. کراهت دارد قرائت قرآن در حالت سجده، همان‌گونه که در حالت رکوع کراهت دارد.^۲
۳. کراهت دارد بر جُنُب... خواندن بیش از هفت آیه از قرآن به استثنای سوره‌هایی که سجده واجب دارند (که قرائت آنها به کلی حرام می‌باشد) و خواندن بیش از هفتاد آیه کراهتش بیشتر است.^۳
۴. کراهت دارد برای حیض: خواندن قرآن اگر چه کمتر از هفت آیه باشد.^۴
۵. نفساء، همانند حیض می‌باشد... و همچنین در کراهت قرائت قرآن (اگر چه کمتر از هفت آیه باشد).^۵
۶. خواندن سوره توحید به یک نفس مکروه است.^۶
۷. کراهت دارد تکرار یک سوره در دو رکعت.^۷

۱. عروة الوثقی (فی مستحبات الركوع و مکروهاته، م ۲۷).

۲. عروة الوثقی (فی مستحبات السجود، م ۳، توضیح المسائل، م ۳۵۶).

۳. عروة الوثقی (فصل فی ما یکره علی الجنب).

۴. عروة الوثقی (فی احکام الحائض، م ۴۲).

۵. عروة الوثقی (فی احکام النفاس، م ۱۰).

۶. همان، (فی مستحبات القرائة، م ۲).

۷. همان، م ۳.

يُرْحَضُ فِي الْكُتَيْفِ أَكْثَرَ مِنْ آيَةِ الْكُرْسِيِّ وَيَحْمَدُ اللَّهَ أَوْ آيَةَ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۱

عمر بن یزید می‌گوید از حضرت صادق علیه السلام درباره تسبیح خداوند و قرائت قرآن در مستراح (دستشویی) پرسیدم؟ حضرت فرمودند: جایز نیست در مستراح (دستشویی) بیشتر از «آیه الکرسی» و «حمد خداوند» و آیه «الحمد لله رب العالمين» خوانده شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «تَتَوَضَّأُ الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَأْكُلَ، وَإِذَا كَانَ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَوَضَّأَتْ، وَاسْتَقْبَلَتْ الْقِبْلَةَ، وَهَلَّتْ، وَكَبَّرَتْ، وَتَلَّتِ الْقُرْآنَ، وَذَكَرَتْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ».^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: زن حائض وقتی خواست - چیزی - بخورد، وضو می‌گیرد، و هرگاه وقت نماز شد، وضو می‌گیرد و روبرو به قبله می‌نشیند و «لا إله إلا الله» و «الله اکبر» می‌گوید، و قرآن تلاوت می‌کند و خداوند عزیز و جلیل را یاد می‌کند.

نُقِلَ مِنْ حَظِّ الشَّهِيدِ عليه السلام: نَهَى عَلِيُّ عليه السلام عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ عُرْيَانًا.^۳

علامه مجلسی از شهید ثانی نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام نهی فرمود از قرائت قرآن در حالت لخت و عریان بودن.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «يَكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ بِنَفْسٍ وَاحِدٍ».^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۰ (ح ۷، باب ۷ از ابواب احکام الخلوۃ).

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۸۸ (باب ۴۰ از ابواب حیض، ح ۵).

۳. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۶. (کتاب القرآن، باب آداب القراءه و أوقاتها، ح ۱۹).

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۶ (باب ۲۱ از ابواب قراءه القرآن، ح ۳).

یادسپاری: کراهت قرائت قرآن برای حائض و نفساء و مستحاضه، مربوط به غیر وقت نماز می باشد، اما در هنگام نمازهای روزانه، مستحب است که خودش را پاکیزه کند و وضو بگیرد، روبه روی قبله بنشیند و به تحمید و تسبیح و درود فرستادن بر محمد ﷺ و قرائت قرآن بپردازد.^۱

فصل سوم:

آداب و احکام پس از تلاوت

۱. گفتن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»

۲. دعای پس از تلاوت

۱. همان، (فی احکام الحائض، م ۴۱).

۱. گفتن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»

در مفاتیح الجنان، یکی از اعمال نیمه رجب را، عمل اُمّ داوود بیان کرده است؛ اُمّ داوود مادر داوود بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و مادر رضاعی امام صادق علیه السلام می باشد. اُمّ داوود برای رهایی فرزندش از زندان منصور نزد امام صادق علیه السلام آمد و درخواست دعا نمود.

حضرت صادق علیه السلام به او فرمودند: روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه بگیر و سپس اعمالی را به او یاد داد که انجام دهد از جمله ان، خواندن سوره های خاصی از قرآن کریم می باشد، سپس حضرت فرمودند: پس از فراغت از قرائت قرآن کریم می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ.^۱

۱. مفاتیح الجنان، اعمال نیمه رجب؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۰۰. (باب ۲۶ از کتاب أعمال

زمانی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه مستقر شدند، نامه‌هایی به کفار نصارا و یهود نوشتند و آنها را به دین اسلام دعوت نمودند، یکی از علمای یهود به نام اسماویل بن سلام، برای اطمینان یافتن از پیامبر بودن حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد آن حضرت شرفیاب شد و سؤال‌های بسیاری را از آن حضرت پرسیدند، و پس از شنیدن جواب درست، اسلام را اختیار نمود و سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نام «عبدالله» را برای او انتخاب نمود، از این رو به «عبدالله بن سلام» مشهور گردید.

از جمله سؤال‌هایی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند، این بود:

به من خبر ده که شروع و ختم قرآن با چیست؟

حضرت فرمودند: **إِتْدَاؤُهُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ خَتْمُهُ «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»^۱**

آغاز قرآن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و پایان و ختم قرآن «صدق الله العلیّ العظیم» می‌باشد.

نکته آیا گفتن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» از بدعت‌های شیعه است؟ و

متضمن «غلو» درباره «حضرت علی بن ابی طالب عَلِيٌّ» می‌باشد؟

اولاً: لفظ «علیّ» در جمله اختتامیه قرآن که شیعه می‌گوید، وصف است برای خداوند تبارک و تعالی، نه این که «علم» باشد برای شخص

«حضرت علی بن ابی طالب عَلِيٌّ».

ثانیاً: اگر این تعبیر، بدعت باشد، بدعت‌گزار آن، خداوند متعال می‌باشد که در کلامش لفظ «علیّ» را توأم با لفظ «عظیم» وصف خود قرار داده است:

۱. ﴿... وَلَا يُؤَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾^۱

۲. ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾^۲

ثالثاً: عبارت «صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ» که اهل سنت می‌گویند، آن شکوه و رسایی ستایشی را ندارد که عبارت «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» دارد، چرا که لفظ «علیّ» در قرآن، فقط در بیان خوبی‌ها و وصف خداوند متعال استعمال شده است، اما لفظ «عظیم» هم در وصف خوبی‌ها آمده و هم در وصف بدی‌ها استعمال شده است، مانند:

۱. ﴿... وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۳

۲. ﴿... وَ جَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾^۴

۳. ﴿... إِنْ كَيْدُكُمْ عَظِيمٌ﴾^۵

۴. ﴿... سُبْحٰنَكَ هٰذَا بُهْتٰنٌ عَظِيمٌ﴾^۶

۱. بقره / ۲۵۵.

۲. شوری / ۴.

۳. بقره / ۷.

۴. اعراف / ۱۱۶.

۵. یوسف / ۲۸.

۶. نور / ۱۶.

السنین والشهور و الايام).

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۳.

نتیجه آن که گفتن: «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» نه تنها «بدعت» و متضمن «غلو» درباره امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نمی باشد بلکه ستایش و توصیف خداوند متعال است به بهترین وصفی که خداوند در قرآن برای خود آورده است.

۲. دعای پس از تلاوت

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ قَالَ: «اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي وَ نَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصْرِي وَ أَطْلُقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي وَ أَعْيِي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ»^۱.

در کتاب بحار آمده که حضرت علی علیه السلام هنگام ختم قرآن این دعا را می خواند: «بار خدایا، سینه ام را با قرآن بگشا و بدنم را به واسطه قرآن روان ساز و تا زنده ام مرا در راه قرآن یاری کن، چرا که هیچ نیرو و قدرتی جز به تو نیست».

در کتاب محجة البيضاء آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ختم قرآن این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِالْقُرْآنِ وَ اجْعَلْهُ لِي إِمَامًا وَ نُورًا بَيْنَ يَدَيَّ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً، اللَّهُمَّ ذَكِّرْنِي مِنْهُ مَا نَسَيْتُهُ وَ عَلِّمْنِي مِنْهُ مَا جَهِلْتُ وَ ارْزُقْنِي تِلَاوَتَهُ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ اجْعَلْهُ حُجَّةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۲.

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۹؛ (کتاب القرآن، باب ادعية التلاوة، ح ۶).

۲. محجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۷۷.

بار خدایا به برکت قرآن بر من رحم کن و آن را پیشوا و مایه نور و هدایت و رحمت قرار ده، بار خدایا آنچه را فراموش کرده‌ام به خاطر بیاور و به من آموزش ده، آنچه را که نمی‌دانم و روزیم کن تلاوتش را در آغاز و انجام روز و آن را دلیل و راهنمای من قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده هنگامی که از قرائت قرآن فارغ می‌شد، این دعا را می‌خواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ عَلَيَّ نَبِيَّكَ الصَّادِقَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحْرِمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَ مُتَشَابِهِهِ وَ اجْعَلْهُ لِي أَنْسًا فِي قَبْرِي وَ أَنْسًا فِي حَشْرِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۱

بار خدایا، همانا خواندم آنچه را که فرمان داده بودی از کتابت را که بر پیامبر راستگویت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل کرده بودی، پس ای خدا (به خاطر این توفیق) حمد و ستایش از آن توست؛ بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که حلالش را حلال و حرامش را حرام می‌شمارند؛ و به آیات محکم و متشابه آن ایمان دارند؛ و آن را در قبر و رستاخیز، مونس و همنشین من قرار ده، و مرا در زمره افرادی قرار ده که با خواندن هر آیه‌ای از آن، یک درجه در اعلا علیین بالا می‌بری، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

ذکرهای تلاوت تعقیبات برخی از سوره‌ها و آیات قرآن کریم

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۷ و دعای دیگر در صفحه ۲۰۸، (کتاب القرآن، باب ادعیه التلاوة).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیش‌گفتار

قرآن، کلام خداوند است و آنگاه که قرآن می‌خوانیم در واقع خدای مهربان با ما سخن می‌گوید، ادب اقتضا می‌کند که در هنگام تلاوت یا شنیدن کلام وحی، خود را مخاطب آیات الهی ببینیم و در معنای سخنانش تأمل کنیم؛ در وقت شنیدن آیات شوق‌انگیز، اشتیاق خود را نشان دهیم و به‌گاه شنیدن آیات ترساننده، ترس و خشیتِ خورا؛ دیگر آنکه گه‌گاه به مناسبت معنای آیات، سخنان شایسته‌ای بگوییم و در گفتگو با پروردگاران شرکت کنیم.

زمانی که به سیره عملی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌نگریم، می‌بینیم در هنگام تلاوت برخی از آیات، ذکرهایی را بر زبان مبارکشان جاری می‌ساختند؛ این ذکرها، متناسب با محتوای همان آیاتی است که تلاوت می‌فرمودند.

در این مجموعه سعی شده تا ذکرهای مزبور را گردآوری نماییم، تا با الگو قرار دادن قرائت آن بزرگواران، تلاوت خود را پرمعناتر و لذت‌بخش‌تر کنیم.

را قرائت می فرمودند.

عَنْ حَتَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّامًا فَتَعَوَّدَ بِإِجْهَارٍ ثُمَّ جَهَرَ بِـ
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۱.

حنان بن سدیر می گوید: روزهای (مختلف) پشت سر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز خواندم، حضرت نخست با صدای بلند استعاذه و سپس بسم الله می فرمودند.

یادسپاری: برای اطلاع بیشتر در رابطه با نحوه استعاذه و حکم شرعی آن، به مبحث استعاذه، همین نوشته مراجعه فرمایید.

۲. شروع قرآن با «تسمیه» و ختم آن با «تصدیق»

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»

بعضی از مفسرین کلمه «قرآن» را بعد از «اقرأ» در تقدیر می دانند؛ یعنی: «اقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي...»، قرآن را با نام پروردگارت بخوان.^۲
فی مسائل ابن سلام، أَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا ابْتِدَاءُ الْقُرْآنِ وَمَا خَتْمُهُ؟ قَالَ: يَا ابْنَ سَلَامَ، ابْتِدَاؤُهُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَخَتْمُهُ «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ».^۳

ابن سلام از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: شروع و ختم قرآن با چیست؟ حضرت پاسخ فرمودند: ای ابن سلام، شروع و ابتدای قرآن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و پایان و ختم قرآن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» می باشد.

در پایان تذکر این نکته را لازم می دانم که این اذکار، نمونه و راهنمای آن بزرگواران است برای قاریان قرآن تا در هنگام قرائت قرآن، خود را مخاطب آیات بدانند و محتوای آنها را باور کنند و اذکاری که دلالت بر باور آنها دارد بر زبان جاری سازند تا خداوند متعال، توفیق عمل به محتوای آیات را به همه ما ارزانی دارد.

۱. شروع قرآن با «استعاذه»

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۱

و هنگامی که قرآن می خوانی، پس از (وسوسه های) شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۲

راوی از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می فرماید که آن حضرت قبل از خواندن قرآن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می گفتند.
فِي احْتِجَاجِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الرَّشِيدِ، أَنَّهُ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يُسْتَشْهَدَ بِآيَةٍ قَالَ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».^۳

حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگام احتیاج بر علیه هارون الرشید، هر بار که می خواستند به آیه ای از قرآن استدلال نمایند، ابتدا می گفتند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، سپس آن آیه

۱. نحل / ۹۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۰۱ (باب ۵۷ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۶).

۳. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۸ (باب ۲۱ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۳).

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۵.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۳ (کتاب السماء و العالم، باب ۳۷ «باب نادر»).

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدَكَّرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرٌ».

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کار مهمی که بدون نام خداوند شروع شود، بی فرجام خواهد بود.

یادسپاری: برای اطلاع بیشتر در رابطه با «بسم الله» و حکم شرعی آن، به مبحث «بَسْمَلَهُ» همین نوشته مراجعه فرمایید.

۳. بعد از تلاوت سوره حمد (فاتحة الكتاب) گفتن: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۱. عن الرضا عليه السلام في حديث: كَانَ إِذَا فَرَعَ مِنَ الْفَاتِحَةِ قَالَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱.
راوی می گوید: هرگاه امام رضا علیه السلام از خواندن سوره فاتحه فارغ می شدند، می گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَرَأْتَ الْفَاتِحَةَ فَرَعْتَ مِنْ قِرَائَتِهَا، فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که سوره فاتحه را خواندی و از خواندن آن فارغ شدی، بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَقَرَأَ الْحَمْدَ وَفَرَعَ مِنْ قِرَائَتِهَا فَقُلِ أَنْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا تَقُلْ آمِينَ.^۳

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که پشت سر امام (جماعت) هستی

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۳ (باب ذکر اخلاق الرضا و وصف عبادته).

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۱.

۳. همان.

و او سوره حمد را خواند و از خواندنش فارغ شد، پس بگو «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و آمین نگو.

۴. بعد از تلاوت سوره اخلاص گفته شود: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَقْرَأُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا قَالَ «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي»^۱.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه پدرشان از قرائت سوره اخلاص، فارغ می شدند می گفتند: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي». (پروردگار من چنین است که در این سوره اوصافش بیان شد).

عَنْ الرضا عليه السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» قَالَ سِرًّا: «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا، قَالَ: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا»^۲.

راوی می گوید: هنگامی که امام رضا علیه السلام «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را قرائت می فرمودند، آهسته می گفتند «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و زمانی که از خواندن سوره، فارغ می شدند، سه بار می گفتند: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

روى الفضيل بن يسار، قال أمرنى أبو جعفر أن أقرأ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و أقول إذا فرغت منها «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» ثلاثاً.^۳

فضیل بن یسار می گوید: امام باقر علیه السلام به من امر فرمودند «قُلْ هُوَ اللَّهُ

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلوة، ح ۲).

۲. همان، ص ۷۵۶، ح ۷ به نقل از عیون اخبار الرضا.

۳. همان به نقل از مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۶۸.

أَحَدٌ - را بخوانم و وقتی از آن فارغ شدم، سه بار بگویم «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي».

۵. وقف نمودن بر آخر آیات

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي نَفْسٍ وَاحِدٍ^۱

از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده است: کراهت دارد
سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ با یک نفس خوانده شود.

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقِفُ عِنْدَ آخِرِ كُلِّ آيَةٍ مِنْ هَذِهِ السُّورَةِ
(اخلاص).^۲

عمران بن حصین از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که آن
حضرت، در آخر هر یک از آیات سوره اخلاص، وقف می‌نمودند.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَّهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقَطُّ قِرَاءَتَهُ آيَةَ آيَةً^۳.

از ام سلمه (همسر گرامی پیامبر اسلام) نقل شده که پیامبر، قرائتش را
آیه آیه قطع می‌کرد (یعنی بر آخر آیات توقف می‌فرمودند).

۶. بعد از تلاوت سوره «تبت»: بر ابولهب نفرین شود

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا قَرَأْتُمْ «تَبَّتْ» فَادْعُوا عَلَيَّ أَبِي لَهَبٍ فَإِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُكْتَبِينَ
بِالنَّبِيِّ ﷺ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ^۴.

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۱۴ (کتاب الصلاة، باب قراءة القرآن، ح ۱۱).

۲. مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۶۷.

۳. همان، ص ۳۷۸.

۴. مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۵۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که سوره «تبت» را قرائت نمودید،
پس از آن بر ابولهب نفرین کنید، زیرا او از تکذیب کنندگان پیامبر ﷺ و
آنچه از نزد خداوند آورده بود، می‌باشد.

۷. بعد از تلاوت سوره «نصر»، تسبیح و تحمید و استغفار خداوند

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ السُّورَةُ (نصر) كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ كَثِيرًا «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
وَ بِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

ابن مسعود می‌گوید: هنگامی که این سوره (نصر) نازل شد، پیامبر
بسیار می‌گفت: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْآخِرَةِ لَا يَقُومُ وَلَا يَقْعُدُ وَلَا يَجِيءُ وَلَا
يَنْهَبُ إِلَّا قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ، لَسْتُ غَفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»؛ فَسَأَلْنَا عَنْ ذَلِكَ؟
فَقَالَ ﷺ: «إِنِّي أُمِرْتُ بِهَا، ثُمَّ قَرَأْتُ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾^۱.

ام سلمه (همسر گرامی پیامبر اسلام) می‌گوید: پیامبر روزهای آخر
بلند نمی‌شد و نمی‌نشست، و آمد و رفت نمی‌کرد مگر این‌که می‌گفت:
«سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»، علتش را از او جویا
شدیم، حضرت فرمودند: دستور داده شدم به آن، سپس سوره نصر را
تلاوت فرمودند.

۱. همان، ج ۵، ص ۴۵۴.

۸. بعد از تلاوت سوره «کافرون» اقرار به «بندگی خداوند یگانه»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ أَبِي يَقُولُ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ رُبْعَ الْقُرْآنِ وَكَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنْهَا قَالَ: «أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ، أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ».^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم می گفت: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ربع قرآن است، و هنگامی که از آن فراغت می یافت می فرمود «أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ، أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ»، (تنها خداوند را عبادت می کنم، تنها خداوند را عبادت می کنم).

تعبیر به «ربع القرآن» شاید به خاطر این باشد که حدود یک چهارم قرآن، مبارزه با شرک و بت پرستی است و عصاره آن در این سوره (کافرون) آمده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قُلْتَ ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ فَقُلْ: «وَلِكِنِّي أَعْبُدُ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي» فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْهَا فَقُلْ: «دِينِي الْإِسْلَامُ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.^۲

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: هنگامی که گفتن ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ پس بگو «ولکن من عبادت می کنم خداوند را و دینم خالصانه برای اوست» و هنگامی که از سوره فارغ شدی، سه بار بگو: «دین من اسلام است».

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَرَأَ... سُورَةَ الْجَحْدِ- قَالَ فِي نَفْسِهِ سِرّاً «يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» فَإِذَا فَرَّغَ مِنْهَا قَالَ: «اللَّهُ رَبِّي وَ دِينِي الْإِسْلَامُ» ثَلَاثاً.^۳

۱. مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۵۱.

۲. همان.

۳. وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۷۵۶ (باب ۲۰ از ابواب القراءة في الصلاة، ح ۸).

از امام رضا علیه السلام نقل شده که هنگامی که سوره کافرون را می خواند، آهسته می گفتند: «يا ايها الكافرون» و هنگامی که از آن فارغ می شدند، سه بار می گفتند: «اللَّهُ رَبِّي وَ دِينِي الْإِسْلَامُ».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَرَأْتَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ فَقُلْ: «أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» وَ إِذَا قُلْتَ ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ فَقُلْ: «أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ» وَ إِذَا قُلْتَ ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٍ﴾ فَقُلْ: «رَبِّيَ اللَّهُ وَ دِينِي الْإِسْلَامُ».^۱

۹. بعد از تلاوت سوره «تین» گفته شود: «بلی و انا علی ذلك من الشاهدين» و یا «و نحن علی ذلك من الشاهدين».

عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ... كَانَ إِذَا قَرَأَ ﴿وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ﴾ قَالَ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنْهَا «بَلَى وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ».^۲

راوی می گوید: هرگاه امام رضا علیه السلام سوره «والتین» را قرائت می نمودند، در پایان آن، (یعنی بعد از آیه ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ﴾ آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟) می گفتند: «بلی و انا علی ذلك من الشاهدين»، آری خداوند بهترین حکم کنندگان است و من براین امر گواهم. قال قتاده وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا خَتَمَ هَذِهِ السُّورَةَ (تین) قَالَ: «بَلَى وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ».^۳

قتاده می گوید: پیامبر هرگاه این سوره را می خواندند می فرمود: «آری

۱. همان، ص ۵۵۳ و وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۷۵۴، ح ۱۰.

۲. وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۷۵۶ (كتاب الصلاة، باب ۲۰ از ابواب القراءة في الصلاة، ح ۸).

۳. مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۱۲.

خداوند بهترین حکم کنندگان است و من بر این امر گواهم».

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (فِي حَدِيثِ الْأَزْبَعِيَّاتِ): قَالَ: ... وَ إِذَا قَرَأْتُمْ (وَالْتَيْنِ) فَقُولُوا فِي آخِرِهَا: «وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ».^۱

۱۱. پس از تلاوت «سوره شمس»، فرمان «خداوند و رسولش را

تصدیق کنید»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (فِي حَدِيثِ) قَالَ: «الرَّجُلُ إِذَا قَرَأَ ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ فَيَخْتِمُهَا أَنْ يَقُولَ: صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ...».^۱

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرموده است: سزاوار است وقتی که سوره شمس می خوانید در پایانش گفته شود: «راست گفت خداوند راست گفت پیامبرش».

سوره «شمس» در حقیقت سوره «تهذیب نفس» و «تطهیر قلوب از ناپاکی ها و ناخالصی ها» است و بر محور همین معنی دور می زند، منتها در آغاز سوره به یازده موضوع مهم از عالم خلقت و ذات پاک خداوند برای اثبات این معنی که فلاح و رستگاری در گرو تهذیب نفس است، قسم یاد شده و بیشترین سوگندهای قرآن را به طور جمعی در خود جای داده است؛ و در پایان سوره به ذکر نمونه ای از اقوام متمرّد و گردنکش که به خاطر ترک تهذیب نفس، در شقاوت ابدی فرو رفتند و خداوند آنها را به مجازات شدیدی گرفتار کرد، یعنی قوم ثمود می پردازد و با اشاره کوتاهی به سرنوشت آنها، سوره را پایان می دهد.^۲

و اگر سفارش شده که بعد از پایان این سوره «خدا و رسولش را تصدیق کنید»، برای این است که انسان محتوای این سوره را باور کند و به

۱۰. بعد از تلاوت سوره «قیامت» گفته شود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَى»

عَنْ الرِّضَاءِ عليه السلام فِي حَدِيثِ أَنَّهُ كَانَ... إِذَا قَرَأَ ﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ قَالَ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنْهَا: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَى».^۲

راوی می گوید: هرگاه امام رضا عليه السلام سوره «قیامت» را قرائت می نمودند، در پایان آن، (یعنی بعد از آیه ﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَيَّ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾، آیا چنین پروردگاری قادر نیست که مردگان را زنده کند؟) می گفتند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَى»، منزهی تو ای خداوند، آری چنین قدرتی را داری.

عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَيَّ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَى».^۳

براء بن عازب می گوید: وقتی که این آیه ﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ...﴾ نازل شد، پیامبر فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَى»، منزهی تو ای خداوند، آری چنین قدرتی را داری.

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸ (کتاب القرآن، باب ۲۷، ح ۲، باب مابینگی ان یقال عند قراءة بعض الآيات والسور).

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۶ (کتاب الصلاة، باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۸).

۳. مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۲؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۹ (کتاب القرآن، باب ۲۷، ح ۳).

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۳).

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶.

تهذیب نفس بپردازد تا گرفتار سرنوشت قوم ثمود نگردد.

عَنْ أَبِي عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا تَلَاهُ فِي الْآيَةِ ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۱ وَقَفَّ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَانْتِ وَلِيَّهَا وَمَوْلَاهَا، وَانْتَ حَیْرٌ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيَّهَا وَمَوْلَاهَا».^۲

ابن عباس می‌گوید: هنگامی که رسول خدا، آیه ﴿وَنَفْسٍ وَمَا...﴾ را تلاوت می‌فرمود، توقف می‌کردند و می‌فرمودند که «اللَّهُمَّ آتِ...»، خداوند، به نفس من تقوایش را عطا فرما، و آن را تزکیه کن که تو بهترین تزکیه‌کنندگانی و تو ولی و مولای آن هستی.

۱۲. تکرار نمودن آیاتی که در آن «امر و نهی» آمده و عبرت گرفتن از

آنها

النَّبِيِّ ﷺ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِذَا تَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى، فَتَبَيَّنْتَ عَلَى آيَةٍ فِيهَا أَمْرٌ وَنَهْيٌ، فَرَدَّدَهَا نَظْرًا وَاعْتِبَارًا فِيهَا، وَ لَا تَسُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَإِنَّ نَهْيَهُ يَدُلُّ عَلَى تَرْكِ الْمَعَاصِي، وَ أَمْرُهُ يَدُلُّ عَلَى (عَمَلِ) الْبِرِّ وَ الصَّلَاحِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾.^{۴۳}

۱. شمس / ۷ و ۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۲۰ (کتاب القرآن باب ۲۷ ما ینبغی أن یقال عند قرائت بعض الآیات و السور، احادیث شماره ۳).

۳. آل عمران / ۲۵.

۴. الحیة، محمدرضا حکیمی، با ترجمه احمد آرام، ج ۲، ص ۱۷۱ به نقل از مکارم الاخلاق،

پیامبر؛ ای ابن مسعود! هنگامی که کتاب خدای متعال را می‌خوانی و به آیه‌ای می‌رسی که در آن امر و نهی است، بار دیگر آن را برای عبرت گرفتن تکرار کن، و این کار را از یاد مبر، زیرا که نهی آن دلیل بر فرو گذاشتن گناهان است، و امر آن دلیل بر نیکوکاری و صلاح. این است که خدای متعال می‌گوید: «چگونه باشد (حال مردمان) هنگامی که آنان را برای روزی که شکی در آن نیست گرد آوریم، و هر کس پاداش آنچه را کرده است تمام دریافت کند و بر کسی ستم نرود».

۱۳. پس از تلاوت آیاتی که ابتدای آنها «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده است، گفته شود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و «یا لَبَّيْكَ رَبَّنَا»، (اجابت کردیم خداوندا، دعوتت را اجابت کردیم).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى أَنْ يُرْتَلَّ فِي قِرَائَتِهِ... وَإِذَا مَرَّ بِـ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ وَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ يَقُولُ: لَبَّيْكَ رَبَّنَا.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: سزاوار است برای بنده، هنگامی که نماز می‌خواند، قرائتش را به صورت ترتیل بخواند، و هرگاه به آیاتی برسد که در آن «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده، بگوید: «لَبَّيْكَ رَبَّنَا». عن الرضا علیه السلام فی حدیث أنه كان إذا قرأ... ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ قال: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» سراً.^۲

راوی می‌گوید: هنگامی که امام رضا علیه السلام «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را

۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۴۷۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۶ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۸).

۱۵. بعد از خواندن سوره‌های «حوامیم»^۱ حمد و شکر الهی را به جا

آوردن

عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَوَامِيمُ رِيَّاحِينَ الْقُرْآنِ، فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَاشْكُرُوهُ كَثِيرًا لِحِفْظِهَا وَتَلَاوتِهَا.^۲

ابی بصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: سوره‌های حوامیم، سوره‌های خوشبوی قرآن هستند، پس هنگامی که آن سوره‌ها را قرائت کردید، حمد و شکر الهی را بسیار بجا آورید به خاطر (توفیقی که خداوند برای) حفظ و تلاوت این سوره‌ها (نصیب شما فرموده است).

۱۶. بعد از تلاوت آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بگوید: «لَا بِشَيْءٍ

مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الرَّحْمَنِ فَقَالَ عِنْدَ كُلِّ «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» «لَا بِشَيْءٍ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ»، فَإِنْ قَرَأَهَا لَيْلًا ثُمَّ مَاتَ، مَاتَ شَهِيدًا وَإِنْ قَرَأَهَا نَهَارًا فَمَاتَ مَاتَ شَهِيدًا.^۳

۱. نام گروهی سوره‌های چهلم تا چهل و ششم قرآن کریم در ترتیب مصحف که با حروف مقطعه «حَم» (حامیم) آغاز می‌شوند، این سوره‌ها به ترتیب عبارت‌انداز: غافر (مؤمن)، فُصِّلَتْ، شوری، زُخْرَف، جاثیه و احقاف. به مجموع این سوره‌ها ذوات حَم یا آل حَم نیز گفته‌اند.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۴۱؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۶ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۶).

قرائت می‌نمودند، آهسته می‌گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»، (اجابت کردیم خداوند، دعوت را اجابت کردیم).

۱۴. هنگام تلاوت «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» گفته شود: «سُبْحَانَ رَبِّي

الْأَعْلَى»

عَنِ الرضائِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ كَانَ... إِذَا قَرَأَ «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» قَالَ سِرًّا: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى».^۱

راوی می‌گوید: هنگامی که امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ آیه «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را از هر عیب و نقص منزّه دار) را قرائت می‌نمودند، آهسته می‌گفتند: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى»، (منزه است پروردگار بلند مرتبه من).

وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعُمِائَةِ أَنَّهُ قَرَأَ «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» فَقَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى» وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ، فَقِيلَ لَهُ: أَتَزِيدُ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: لَا إِنَّمَا أَمُرُنَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُهُ.^۲

از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که آن حضرت «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را خواندند، پس از آن گفتند «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى» و او در نماز بود، به او گفته شد آیا در قرآن، اضافه می‌کنی؟ حضرت فرمودند: نه، همانا امر شدید به چیزی، پس همان را گفتیم.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَرَأْتُمْ مِنَ الْمُسَبِّحَاتِ الْآخِرَةِ، فَقُولُوا: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى».^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۶ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۸).

۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۲۰ (کتاب القرآن باب ۲۷، احادیث شماره ۳).

۳. همان، ص ۲۱۷، ح ۱.

(شایسته است) بگویی «لَا بِشَيْءٍ مِنْ أَلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبٌ».

۱۷. «سجده نمودن» هنگام خواندن آیاتی که در آن سجده آمده

باشد

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عليه السلام إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ مَا ذَكَرَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نِعْمَةً عَلَيْهِ إِلَّا سَجَدَ وَ لَا قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا سُجُودٌ إِلَّا سَجَدَ...^۱

جابر از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: پدرم علی بن الحسین، هیچ نعمتی از نعمت‌های خداوند را یادآور نمی‌شد مگر (برای آن) سجده می‌کرد و هیچ آیه‌ای از قرآن را نمی‌خواند که در آن (ذکری از) سجده باشد مگر این که سجده می‌کرد.

سجده به معنای خضوع و تسلیم و اطاعت می‌باشد و عبارت است از فروتنی برای عبادت و پرستش خداوند متعال.

سجده باعث قرب و نزدیکی انسان به درگاه خداوند می‌شود و لذا در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِذَا كَانَ فِي سَاجِدًا»، نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند، زمانی است که در سجده باشد.

طبق روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام چهار سجده واجب داریم و بقیه سجده‌های قرآن، مستحب است.^۲

سوره «الرحمان»، بیانگر نعمت‌های مختلف معنوی و مادی خداوند است که بر بندگان خود ارزانی داشته و خداوند در این سوره، پس از یادآوری نعمت‌ها، ۳۱ بار از بندگان (انس و جن) اقرار بر نعمت‌های خود می‌گیرد «پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟»؛ از این رو در روایات آمده است که هنگام تلاوت و تکرار این آیات، سزاوار است اقرار کنید «خداوند هیچ یک از نعمت‌های تو را انکار نمی‌کنیم».

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرموده است: هر کس سوره‌الرحمان را بخواند و هنگامی که به آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» می‌رسد بگوید: «لَا بِشَيْءٍ مِنْ أَلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبٌ»، اگر این تلاوت در شب باشد و در همان شب بمیرد، شهید خواهد بود، و اگر در روز باشد و در همان روز بمیرد نیز شهید خواهد بود.^۱

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «يُسْتَحَبُّ أَنْ يُقْرَأَ فِي دُبْرِ الْغَدَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الرَّحْمَنُ، ثُمَّ تَقُولُ كُلَّمَا قُلْتَ «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» قُلْتَ: لَا بِشَيْءٍ مِنْ أَلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبٌ».^۲

حماد بن عثمان می‌گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: مستحب است که بعد از نماز عشاء، روز جمعه سوره‌الرحمان خوانده شود، سپس هر وقت آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» را خواندی،

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۹۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۴).

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۲ (باب ۷ از ابواب سجدة للشکر، ح ۸).

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۷۴.

یادآوری: موارد و نحوه سجده و اذکاری که باید گفته شود در مبحث (سجده کردن در هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده دار) آمده است.

۱۸. «صلوات فرستادن» هنگام قرائت آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ

عَلَى النَّبِيِّ...﴾^۱

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ) قَالَ: «... وَإِذَا قَرَأْتُمْ ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ فَصَلُّوا عَلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا...»^۲

حضرت علی علیه السلام می فرماید: هنگامی که آیه «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گوید و تسلیم فرمائش باشید» را خواندید، بر او درود بفرستید، چه در نماز باشید یا در غیر نماز.

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «... وَصَلَّ عَلَى النَّبِيِّ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ أَوْ ذَكَرَهُ ذَاكِرٌ فِي أَذَانٍ وَغَيْرِهِ»^۳.

زراره از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرموده است: و درود بفرست بر پیامبر هر وقت که یادش کردی یا کسی دیگری یادش کرد، در اذان باشد یا غیر اذان.

مقام پیامبر ﷺ آن قدر والاست که آفریدگار هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آن‌ها گذارده شده است بر او

درود می فرستند، اکنون که چنین است شما نیز با این پیام جهان هستی هماهنگ شوید. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام بگویید و در برابر فرمان او تسلیم باشید»^۱.

۱۹. تقاضای بهشت و پناه بردن به خداوند، هنگام تلاوت آیاتی که

در رابطه با بهشت و جهنم می باشد

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «... إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً، وَ لَكِنْ يُرْتَلُ تَرْتِيلًا، وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَفَقِّفْ عِنْدَهَا وَ سَلِّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّةَ وَ إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَفَقِّفْ عِنْدَهَا وَ تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^۲.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «همانا قرآن را نباید به صورت هذرمه (تند و سریع و نامفهوم) خواند بلکه باید به صورت ترتیل (منظم و شمرده و مفهومی) خوانده شود، و هنگامی که مرور کردی به آیه ای که در آن یاد از بهشت شده پس توقف کن و با خواهش و تمنا از خداوند بهشت را بخواه، و هنگامیکه مرور کردی به آیه‌ای که در آن یاد از جهنم شده، پس توقف کن و پناه ببر به خداوند از آتش جهنم».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «يَبْتَغِي لِمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، إِذَا مَرَّ بِآيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ فِيهَا مَسْأَلَةٌ أَوْ تَخْوِيفٌ أَنْ يَسْأَلَ عِنْدَ ذَلِكَ خَيْرًا مَا يَرْجُو وَ يَسْأَلُهُ الْعَاقِبَةَ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْعَذَابِ»^۳.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «سزاوار است برای کسی

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۶.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۱۷ (کتاب فضل القرآن، باب فیکم یقرأ القرآن و یختم، ح ۲).

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۸ (باب ۲ از ابواب قراءه القرآن، ح ۲).

۱. احزاب / ۵۶.

۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۷ (باب ۲۷ از کتاب القرآن، ح ۱).

۳. کافی، ج ۳، ص ۳۰۳ (کتاب الصلاة، باب بدء الاذان و الاقامة، ح ۷).

خَيْرُ اللَّهِ خَيْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»، وَإِذَا قَرَأَ ﴿ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْبُلُونَ﴾^۱ أَنْ يَقُولَ: «كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ»، وَالرَّجُلُ إِذَا قَرَأَ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا﴾^۲ أَنْ يَقُولَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ»، قُلْتُ فَإِنْ لَمْ يَقُلِ الرَّجُلُ شَيْئًا مِنْ هَذَا إِذَا قَرَأَ، قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.^۳

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرموده است: سزاوار است هنگام خواندن ﴿اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾، (آیا خداوند بهتر است یا بت‌هایی که همتای او قرار می‌دهند؟!)، گفته شود «خداوند بهتر است، خداوند بهتر است، خداوند بزرگ‌تر است»، و هنگام خواندن ﴿ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْبُلُونَ﴾، (اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرار می‌دهند)، گفته شود: «دروغ گفتند کسانی که برای خداوند شریک و شبیه قرار دادند». و هنگام خواندن ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ... وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا﴾، (بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلت (حامی و) سرپرستی برای اوست، و او را بسیار بزرگ بشمار). (در اجابت به فرمان خداوند بگو) «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ»، خداوند بسیار بزرگ است، خداوند بسیار بزرگ است، راوی می‌گوید پرسیدم، اگر کسی چیزی از این‌ها را نگوید؟ حضرت فرمودند: بر او چیزی نیست.

که قرآن را می‌خواند، هنگامی که مرور می‌کند به آیه‌ای از قرآن که در آن درخواستی و یا بیمی داده شده، درخواست کند نزد آن آیات، بهتر از آنچه که امید می‌رود و درخواست نماید سلامت (و نجات) از آتش جهنم و از عذاب (آخرت)».

عن رجاء ابن الصَّحَّاحِ قَالَ: كَانَ الرَّضَاءُ عليه السلام فِي طَرِيقِ خُرَّاسَانَ يَكْتُمُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ.^۱ رجاء ابن صحاح می‌گوید: امام رضا عليه السلام در راه خراسان (از مدینه تا خراسان)، شب‌ها زیاد قرآن می‌خواندند، وقتی که به آیه‌ای می‌رسید که در آن یادى از بهشت و آتش (جهنم) شده بود، گریه می‌کرد و از خداوند بهشت را درخواست می‌نمود و به خداوند پناه می‌برد از آتش (جهنم).
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ قَالَ: إِنَّ حَقَّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، يُسَأَلُ فِي الْأُولَى وَ يَسْتَعِيدُ مِنَ الْآخِرَى.^۲

از امام صادق عليه السلام در معنای «حق تلاوت» نقل شده که فرموده است: «حق تلاوت، وقف نزد یاد بهشت و جهنم است که اولی درخواست شود و از دومی به خداوند پناه برده شود.

۲۰. پس از تلاوت بعضی دیگر از آیات... گفته شود...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَالرَّجُلُ إِذَا قَرَأَ ﴿اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۳ أَنْ يَقُولَ: «اللَّهُ

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸ (باب ۲۷ از کتاب القرآن، ح ۲).

۲. مجمع البيان، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. نمل / ۵۹.

۱. انعام / ۱.

۲. اسراء / ۱۱۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۳).

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (فِي حَدِيثِ الْأَزْبَعِيَّةِ) قَالَ: ... وَإِذَا قَرَأْتُمْ «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ»^۱ فَقُولُوا: «آمَنَّا بِاللَّهِ» حَتَّى تَبْلُغُوا إِلَى قَوْلِهِ: «مُسْلِمُونَ»^۲.

حضرت علی بن ابی طالب فرمودند: هنگامی که آیه «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ» (بگوئید ایمان آوردیم به خداوند) را قرائت نمودید پس (در اجابت از فرمان خداوند) بگوئید «آمَنَّا بِاللَّهِ» (ایمان آوردیم به خداوند) و سپس بقیه آیه را تا «وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»، (و در برابر فرمان خداوند تسلیم هستیم)، بخوانید.

قرآن در آئینه احادیث

۱. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»^۱.
پیامبر ﷺ: برترین عبادت‌ها، قرائت قرآن است.
۲. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «خِيَارُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۲.
پیامبر ﷺ: بهترین شما کسی است که قرآن را فرا بگیرد و به دیگران آموزش دهد.
۳. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا آمَنَ بِالْقُرْآنِ مَنِ اسْتَحَلَّ مَحَارِمَهُ»^۳.
پیامبر ﷺ: به قرآن ایمان نیاورده است کسی که حرام‌های قرآن را حلال بشمارد.
۴. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ عَلَى الشَّيْطَانِ أَشَدَّ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُصْحَفِ نَظْرًا وَ الْمُصْحَفُ فِي بَيْتٍ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ»^۴.
پیامبر ﷺ: هیچ چیز سخت‌تر بر شیطان نیست از قرائت قرآنی که از روی مصحف (قرآن) دیده (و خوانده) شود، و وجود مصحف (قرآن) در خانه، شیطان را (از خانه) بیرون می‌راند.
۵. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «افْرءُوا الْقُرْآنَ وَ اسْتَظْهَرُوهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَى

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۳ (باب ۱۱ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۱۵).

۲. همان، ص ۸۲۵ (باب ۱ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۶).

۳. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۵ (باب ۱۹ از کتاب القرآن، حدیث ۲۳).

۴. همان، ص ۲۰۱ (باب ۲۳ از کتاب القرآن، حدیث ۱۸).

۱. بقره / ۱۳۶.

۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۷ (باب ۲۷ از ابواب کتاب القرآن، ح ۱).

الْقُرْآنُ»^۱

پیامبر ﷺ: قرآن را بخوانید و آن را به قلب خود بسپارید (حفظ کنید) همانا خداوند عذاب نمی‌کند قلبی را که جایگاه قرآن شده باشد.

۶. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «عَدَدُ دَرَجِ الْجَنَّةِ، عَدَدُ آيِ الْقُرْآنِ، فَإِذَا دَخَلَ صَاحِبُ الْقُرْآنِ الْجَنَّةَ قِيلَ لَهُ: ارْقَأْ وَاقْرَأْ، لِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةٌ فَلَا تَكُونُ فَوْقَ حَافِظِ الْقُرْآنِ دَرَجَةٌ»^۲

پیامبر ﷺ: تعداد درجات بهشت، تعداد آیات قرآن می‌باشد، هنگامی که حافظ قرآن داخل بهشت شود به او گفته می‌شود، برو بالا و بخوان، برای هر آیه (که خوانده شود) درجه‌ای است، پس بالاتر از حافظ قرآن، درجه‌ای نیست.

۷. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ، قِيلَ فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ»^۳

پیامبر ﷺ: همانا این قلب‌ها، زنگار می‌گیرد همان‌گونه که آهن زنگار می‌گیرد، گفته شد جلا و صیقل آن با چیست؟ حضرت فرمودند: یاد مرگ و تلاوت قرآن.

۸. عَنْ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ قَالَ: «وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»^۴

امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی‌طالب: و حق فرزند بر پدر آن است که: نام نیک برایش انتخاب نماید، نیکو ادبش کند و به او قرآن را بیاموزاند.

۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدُ حَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ

۱. همان، ص ۱۹ (باب ۱ از کتاب القرآن، حدیث ۱۸).

۲. همان، ص ۲۲ (باب ۱ از کتاب القرآن، حدیث ۲۲).

۳. نهج الفصاحة، ص ۱۸۹، ح ۹۳۴.

۴. نهج البلاغه (برگزیده سخنان حکمت‌آمیز، حدیث ۳۹۹).

أَهْلُهُ، وَعَالَمٍ بَيْنَ جُهَالٍ، وَ مُصْحَفٍ مُعَلَّقٍ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ»^۱

امام صادق علی‌ه‌السلام: سه گروه نزد خداوند عزوجل شکایت می‌کنند: مسجد ویرانی که اهلس (اطرافینش) در آن نماز نخوانند، دانایی که بین نادان‌ها، تنها بماند (و از علمش بهره نبرند) و قرآن رها شده‌ای که گرد و غبار، روی آن را گرفته و خوانده نشود.

۱۰. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»^۲

حضرت صادق علی‌ه‌السلام: پیامبر ﷺ فرموده است: در هر موضوع حقی، حقیقتی نهفته است، و در هر امر صوابی، نوری می‌باشد، پس هر چیز که موافق قرآن است، آن را بگیرد و هر چه مخالف قرآن است، آن را رها کنید.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۵ (باب ۲۰ از ابواب قراءة القرآن، حدیث ۲).

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹ (کتاب فضل العالم، باب الاخذ بالسنه و شواهد الكتاب، حدیث ۱).

پرسش‌های چهار گزینه‌ای احکام تلاوت قرآن کریم

۷. سوره‌هایی که دارای سجده واجب می‌باشند، عبارت است از: سجده، علق،

الف) قیامت، نجم
ب) فصلت، نجم

ج) حج، فصلت
د) احزاب، حج

۸. وجوب و استحباب سجده، مختص... آیات مذکوره می‌باشد.

الف) قاری و شنونده
ب) نویسنده

ج) بیننده
د) هر سه مورد صحیح است

۹. آنچه سبب سجده می‌شود... می‌باشد.

الف) تمامی آیه سجده
ب) جمله‌ای است که امر به سجده شده

ج) مقداری از آیه سجده
د) هر سه مورد صحیح است

۱۰. با خواندن یا شنیدن ترجمه آیات سجده که به قصد ترجمه باشد... .

الف) به احتیاط واجب باید سجده کند
ب) به احتیاط مستحب باید سجده کند

ج) سجده واجب می‌شود
د) سجده واجب نمی‌شود

۱۱. وجوب سجده وقتی است که آیات سجده را از شخص... بشنوند که به قصد

قرائت قرآن بخواند.

الف) مکلفی
ب) غیر مکلفی
ج) دیوانه‌ای
د) هر سه مورد

۱۲. قرائت سوره‌هایی که سجده واجب دارند بر شخص... حرام می‌باشند.

الف) جُنُب
ب) نساء
ج) هر دو
د) هیچ‌کدام

۱۳. در چه حالاتی قرائت قرآن، مکروه می‌باشد؟

الف) در حالت رکوع
ب) در حالت جنابت بیش از هفت آیه

ج) در حالت سجده
د) هر سه مورد صحیح است

۱۴. مسی که محو کننده خط قرآن می‌باشد، برای فاقد طهارت... می‌باشد.

الف) با دست جایز است ولی با زبان مکروه

ب) با دست حرام است ولی با زبان جایز

ج) با دست و زبان هر دو حرام

د) با دست و زبان هر دو جایز

۱. برای همراه داشتن قرآن، وضو گرفتن... و برای خواندن و نوشتن آن، وضو

گرفتن... می‌باشد.

الف) واجب - واجب
ب) مستحب - واجب

ج) واجب - مستحب
د) مستحب - مستحب

۲. اگر کلمه‌ای از قرآن در کتاب دیگری باشد، مس آن... است.

الف) حرام
ب) مکروه
ج) مستحب
د) بی‌اشکال

۳. رساندن جایی از بدن شخص جُنُب به خط قرآن... و به جلد و حاشیه و بین

خط‌های آن... می‌باشد.

الف) حرام - مکروه
ب) حرام - حرام

ج) حرام - مباح
د) مکروه - مکروه

۴. با تیممی که به جهت تنگی وقت انجام داده، مس قرآن در حال نماز جایز... و

در غیر نماز جایز... .

الف) است - نیست
ب) نیست - است

ج) است - است
د) نیست - نیست

۵. ... رعایت کردن مطالبی را که علمای تجوید بیان کرده‌اند، از اظهار و ادغام و

اقلاب و اخفای تنوین و نون ساکن.

الف) واجب است
ب) جایز نیست

ج) شایسته است
د) الف و ج صحیح است

۶. دانستن مخارج حروف بر اساس آن چه را که علمای تجویدی بیان کرده‌اند... و

تلفظ حروف از مخارجشان در صورتی که قاری ملتفت آن نباشد... .

الف) واجب است - کفایت نمی‌کند
ب) واجب است - کفایت می‌کند

ج) واجب نیست - کفایت می‌کند
د) مستحب است - کفایت نمی‌کند

۱۵. مس نمودن خط قرآن از پشت شیشه‌ای که خط آن پیدا باشد و همچنین خطی که در آئینه منعکس شده باشد بر فاقد طهارت... .

الف) از پشت شیشه جایز ولی در آئینه جایز نیست

ب) در آئینه جایز ولی از پشت شیشه جایز نیست

ج) هر دو جایز است

د) هر دو جایز نیست

۱۶. رو به قبله کردن در سجده تلاوت... و در حالت قرائت قرآن... می‌باشد.

الف) مستحب - مستحب

ب) واجب - واجب

ج) واجب - مستحب

د) مستحب - واجب

۱۷. در قرائت قرآن «إخلاص» شرط است و اگر به قصد «ریا» باشد آن قرائت باطل خواهد بود، با توجه به این حکم، کدام یک از قرائت‌های ذیل «ریا» به حساب می‌آید؟

الف) قرائت برای خدا باشد ولی بعضی از مستحبات قرائت برای خودنمایی باشد

ب) قرائت برای خدا باشد ولی انتخاب مکان یا زمان برای خودنمایی باشد.

ج) قرائت برای خدا باشد ولی اعمال خارجی برای خودنمایی باشد مثل انتخاب لباس

د) هر سه مورد «ریا» به حساب می‌آید

۱۸. «بسم الله الرحمن الرحيم» جزئی از هر سوره... و خواندن آن... است. (به

استثنای سوره براءت).

الف) نمی‌باشد - مستحب

ب) می‌باشد - واجب

ج) نمی‌باشد - اختیاری

د) می‌باشد - مستحب

۱۹. در قرائت قرآن، رعایت کدام یک از موارد ذیل، واجب می‌باشد؟

الف) تلفظ حروف از مخرجشان و رعایت مد واجب و لازم

ب) قرائت به صورت ترتیل و وقف نمودن بر فواصل آیات

ج) تلفظ حروف از مخرجشان و اثبات همزه قطع و حذف همزه وصل در وسط کلام

د) هر سه مورد واجب می‌باشد

۲۰. اگر کسی به وسیله «آیات سجده» سخن بگوید، بدون این‌که قصد تلاوت قرآن

را داشته باشد، در این صورت سجده... .

الف) برگزیده واجب و بر شنونده واجب نمی‌باشد

ب) بر شنونده واجب و برگزیده واجب نمی‌باشد

ج) بر هیچ یک واجب نمی‌باشد

د) بر هر دو واجب می‌باشد

۲۱. آوردن کرمه «علی» در جمله «صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» برای تجلیل از...

می‌باشد.

الف) خداوند متعال

ب) پیامبر اسلام ﷺ

ج) حضرت علیؑ

د) هر سه مورد صحیح است

۲۲. قرائت قرآن در حال رکوع... و در حالت سجده... می‌باشد.

الف) مکروه - مستحب

ب) مستحب - مکروه

ج) حرام - مستحب

د) مکروه - مکروه

۲۳. خواندن سوره‌هایی که سجده واجبه دارند بر شخص... حرام می‌باشد.

الف) جنب

ب) حیض

ج) نَفَسَاء

د) هر سه مورد

۲۴. اگر کسی به وسیله «آیات سجده» سخن بگوید، بدون اینکه قصد تلاوت قرآن

را داشته باشد، در این صورت سجده برگزیده و واجب... و بر شنونده واجب... .

الف) نیست - نیست

ب) است - است

ج) است - نیست

د) نیست - است

۲۵. اگر آیات سجده را مکرر شنید و در حداقل و حداکثر آن شک کند... به حداقل

اکتفا نماید و اگر تعداد سجده واجب را بداند ولی در تعداد سجده‌های انجام شده شک

کند، باید بنا را بر... بگذارد.

الف) جایز است - اکثر

ب) جایز است - اقل

ج) جایز نیست - اکثر

د) جایز نیست - اقل

۲۶. در سجده آیات سجده‌دار، مجرد سجده کفایت... و گفتن «الله اکبر» در اول

آن... .

الف) می‌کند - لازم نیست

ب) می‌کند - مستحب

ج) نمی‌کند - لازم است

د) الف و ب صحیح است

۲۷. کسی که قرائتش صحیح نیست و توان یادگیری صحیح هم... به آن چه که می‌داند، اکتفا کند.

الف) نداشته باشد، نمی‌تواند
ب) داشته باشد، نمی‌تواند
ج) نداشته باشد، می‌تواند
د) ب و ج صحیح است

۲۸. رعایت کدام یک از گزینیه‌های ذیل، در قرائت قرآن در نماز، مستحب می‌باشد؟

الف) قرائت با صدای خوش و نیکو
ب) قرائت با ترتیل
ج) وقف بر فواصل آیات
د) هر سه مورد

۲۹. اگر زن در استحاضه قلیله بخواند جایی از بدن خود را به قرآن برساند، باید... و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته بنا بر احتیاط واجب...

الف) غسل کند و وضو بگیرد - کافی نیست
ب) غسل کند و وضو بگیرد - کافی است
ج) وضو بگیرد - کافی است
د) وضو بگیرد - کافی نیست

۳۰. با خواندن یا شنیدن ترجمه آیات سجده که به قصد ترجمه باشد...

الف) به احتیاط مستحب باید سجده کند
ب) سجده واجب می‌شود
ج) به احتیاط واجب باید سجده کند
د) سجده واجب نمی‌شود

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (با ترجمه آیت الله مکارم).
۲. نهج البلاغه (صبحی صالح، با ترجمه آیت الله مکارم).
۳. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن الحسن الطوسی، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۴. الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۵. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳هـ.
۶. تفسیر صافی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ش.
۷. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران.
۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸ش.
۹. تفسیر نورالتقلین، شیخ عبد علی بن جمعه، المطبعة العلمیة بقم.
۱۰. توضیح المسائل، مراجع بزرگوار تقلید.
۱۱. سفینه البحار، شیخ عباس قمی (۲ جلدی)، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۱۲. عروة الوثقی (۲ جلدی با حاشیه ۱۰ تن از مراجع)، المكتبة العلمیة الاسلامیة، تهران.
۱۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن الحسن الطبرسی، مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳هـ.
۱۴. مستدرک الوسائل، محدث نوری (۳ جلدی)، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۲هـ.
۱۵. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، دارالکتب السلامیه، تهران، ۱۳۹۰هـ.
۱۶. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، (۲۰ جلدی)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱هـ.

مجموعه تألیفات قرآنی از همین مؤلف

۱. آموزش روخوانی قرآن کریم، سطح یک (برای دوره ابتدایی)
۲. آموزش روخوانی قرآن کریم، سطح دو (برای دوره راهنمایی)
۳. راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم (برای معلمان ارجمند قرآن کریم)
۴. آموزش تجوید قرآن کریم، سطح یک (تجوید الصلاة)، (برای عموم)
۵. آموزش تجوید قرآن کریم، سطح دو (برای دوره تکمیلی تجوید کامل)
۶. راهنمای تدریس تجوید قرآن کریم (رای معلمان ارجمند قرآن کریم)
۷. آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم (بر اساس رسم الخط عربی)
۸. تعلیم قراءۃ القرآن الکریم (به زبان عربی)
۹. تعلیم تلاوت قرآن کریم (به زبان اردو)
۱۰. روانخوانی و تجوید قرآن کریم (برای طلاب علوم دینی و دانشجویان)
۱۱. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به ضمیمه اذکار تلاوت (همین نوشته)
۱۲. آیات الاحکام (برای مسابقات حفظ آیات الاحکام)، حفظ موضوعی
۱۳. کتابت و جمع‌آوری قرآن کریم (رساله علمی سطح ۳ حوزه علمیه قم)

و نوشته‌های در دست تدوین عبارتند از:

۱. روش‌های حفظ قرآن کریم
۲. آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم.